

پیکریشن

مهر و آبان ۱۳۸۲ شماره ۴۳ و ۴۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رمضان الذی



شمس و آفتاب



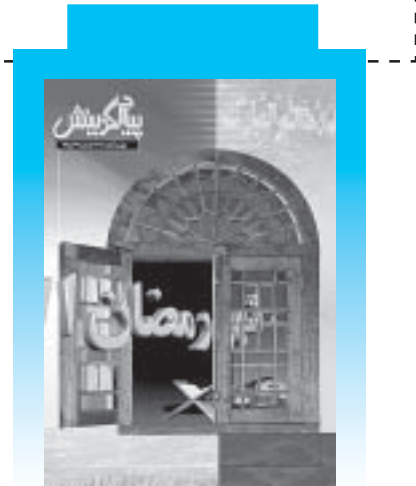
ملت ما، بلکه ملت های اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند به اینکه دشمنان آنان که دشمنان خدای بزرگ و قرآن کریم و اسلام عزیزند، درندگانی هستند که از هیچ جنایت و خیانتی برای مقاصد شوم خیانتکارانه خود دست نمی کشند و برای رسیدن به ریاست و مطامع پست خود دوست و دشمن نمی شناسند و در رأس آنان آمریکا این تروریست بالذات دولتی است که سرتاسر جهان را به آتش کشیده و هم پیمان او صهیونیسم جهانی است که برای رسیدن به مطامع خود جنایاتی مرتکب می شود که قلم ها از نوشتن و زبانها از گفتن آن شرم دارند و خیال ابلهانه (اسرائیل بزرگ) آنان را به هر جنایتی می کشاند.

امام خمینی (ره)



# پیامگزینش

نشریه داخلی هیأت عالی گزینش



- صاحب امتیاز: هیأت عالی گزینش
- مدیر مسئول: سید مهدی میرجلالی
- سردبیر و مدیر اجرایی: محمد سعید تاجیک
- همکاران این شماره: مهدی باطنی، امیرحسین فناء الهی، فرهاد ایثاری، هادی سماواتی، رضا مؤمنی
- مدیر هنری و فنی: سید محمد عدل
- ویراستار: اکبر دوابی

- نشریه پیام گزینش نشریه داخلی هیأتها و هسته های گزینش سراسر کشور می باشد.
- مقالات و مطالب خود را با خط خوانا حتی الامکان بصورت تایپ شده به نشانی دفتر نشریه ارسال نمایید.
- مطالب ارسالی باز گردانده نمی شود.
- نشریه در ویرایش مطالب آزاد است.
- نقل از نشریه با اشاره به مأخذ بلامانع است.

## ۱۵ ..... نوشتار ■

حجابهای نورانی و ظلمانی از دیدگاه امام خمینی (ره) (بخش دوم)

## ۱۷ ..... علمی ■

خلافت؛ گفته ها و ناگفته ها (بخش پایانی)

## ۱۹ ..... فراز ■

گفتاری در تبشیر و تندیر

## ۲۱ ..... واژه نامه ■

مدرنیسم و پست مدرنیسم (قسمت سوم)

## ۲۳ ..... گوناگون ■

## ۲ ..... سر آغاز سخن ■

## ۳ ..... اخبار ■

## ۶ ..... نکات کاربردی در تحقیق ■

پرسش از منبع و گرفتن اطلاعات در مورد داوطلب

## ۷ ..... پاسخگویی ■

## ۹ ..... مقاله ■

مبانی اخلاق اداری (قسمت هشتم)

راههای تبدیل فرهنگ عمومی به فرهنگ خدمات رسانی

## ۱۴ ..... درچه ■

فرایند نظارت و بازرسی (بخش پنجم)

### ■ نشانی دفتر نشریه پیام گزینش :

تهران - میدان پاستور - خیابان پاستور - نهاد ریاست جمهوری - دبیرخانه هیأت عالی گزینش - دفتر آموزش و امور هیأتها

تلفن : ۶۴۹۸۴۷۴ نمابر : ۶۴۴۵۳۱۲۲



# سر آغاز

## سرآغاز سخن

بسمه تعالی

“لیله القدر خیر من الف شهر”

سلام بر رمضان، ماه خدا، بهار قرآن، ماه ریش باران رحمت و هدایت، ماه رهایی انسان از زنجیر شیطان و پرواز انسان‌ها تا قله ملکوت؛ درود و تحیت بر گرامی‌ترین لحظات و ساعات زندگی و بهترین روزها و

شب‌های عمر انسان. خدا را شاکریم که عمرمان یاری کرد تا رخصانی دیگر را درک کنیم و در این ایام مبارک از سرچشمه فیض الهی بهره‌مند شویم. در جهان آفرینش، حقایق و اسرار فراوانی وجود دارد که ما انسان‌ها معمولاً به آنها توجه نداریم و شاید بسیاری از آنها را با عقل و ادراکات محدود خود نمی‌توانیم مورد ارزیابی قرار دهیم و از آن جمله است موضوع “قدر و لیلة القدر”. شب قدری که در اهمیت برابر با هزار ماه است؛ شب قدری که خداوند متعال آن را از میان دیگر شب‌ها برگزید، همانطور که از بین موجودات عالم، انسان را و از میان انسان‌ها، پیامبران را و از جمع پیامبران نیز خاتم الانبیاء محمد مصطفی (ص) را برگزید. ارزش و مرتبت شب قدر که این چنین در آیات و روایات مورد تأکید قرار گرفته است، دلالت بر این معنا دارد که طراحی سرنوشت آینده انسان تا چه میزان اهمیت دارد و از طرفی این امر مهم و خطیر به دست خود اوست و در یک شب مقدس، می‌تواند چگونه زیستن خود را در عالم هستی طراحی، تدبیر و تقدیر کند. در واقع درس بزرگ شب قدر برای ما انسان‌های کره خاکی، درس برنامه‌ریزی و هدفمند نمودن زندگی است. این امر که ما به دست خود آینده خویش را ترسیم نماییم و از خدا بخواهیم هر آنچه را که موجب سعادت دنیوی و اخروی است، برای ما تقدیر و از هر آنچه که موجب سقوط و تباهی می‌شود ما را مبرا کند، امری است بسیار پسندیده که علاوه بر زندگی شخصی، در دنیای کاری ما نیز وقوع آن لازم است.

به طور طبیعی عملکرد هر سازمان، وابسته به مجموع اقدامات عملی و اجرایی آن سازمان است که توسط کارکنان آن صورت می‌پذیرد، و می‌بایست مبتنی بر تصمیماتی منطقی و مستدل باشد که از قبل اتخاذ شده است؛ پس هم باید تصمیمات، صحیح و دقیق باشد و هم در اجرا، به نحو شایسته‌ای عمل شود تا سازمان نیز همگام با کارکنان روز به روز بالنده‌تر شود. پس بیاییم همه با هم تصمیمی جدی و سازنده در جهت رشد معنوی خود و پیشرفت و تعالی سازمان خویش بگیریم تا بدین ترتیب قدمی ارزنده در راه توسعه و سازندگی میهن اسلامی برداشته باشیم. البته تحقق این مهم، موکول به آن است که در هر مقام و موقعیتی که هستیم گام‌های ذیل را به طور جدی و مصمم طی کنیم؛ چرا که پیشرفت ایران اسلامی، مرهون رشد و توسعه تک تک سازمان‌هاست:

۱. راه‌های رشد و تعالی سازمانی و موفقیت در کسب اهداف مورد نظر را شناسایی نماییم؛
۲. موانعی را که در راه رسیدن به موفقیت سازمانی در حیطه کاری خود با آن روبرو هستیم، پیش‌بینی کنیم؛
۳. برنامه‌ای مناسب برای دستیابی به اهداف مورد نظر و مرتفع نمودن موانع طراحی نماییم؛
۴. عزمی جدی در اجرای برنامه پیش‌بینی شده داشته باشیم؛
۵. عمل کنیم، همانطور که تصمیم گرفته‌ایم؛
۶. مسیرهای انحرافی را که احتمالاً در اجرا به آنها برخورد خواهیم نمود، شناسایی نماییم و اصلاح در برنامه را همواره مد نظر داشته باشیم.

همین درس از شب قدر کافی است تا هر فردی در زندگی شخصی و کاری خود با هدف و برنامه حرکت کند. از آنجا که برنامه‌ریزی صرفاً برای سازمان‌های عریض و طویل توصیه نشده است و فقط مختص مدیران نیست؛ پس همگان می‌توانیم بلکه باید تصمیم بگیریم و به بهترین وجه مسئولیت‌های خویش را شناسایی نموده تا حد امکان بر آنها جامه عمل بپوشانیم. امید است در این ماه عزیز و گرانقدر، هم برای خود و هم برای سازمان خود و نهایتاً در جهت پیشرفت ایران اسلامی توشه راه بگیریم، ضمن آرزوی توفیقات الهی برای شما عزیزان، همواره منتظر نظرات و پیشنهادات ارزشمندتان در جهت پیشرفت و بهبود نظام گزینش کشور در راستای برنامه‌های تحول‌آداری هستیم.





اهمیتی که ارتباطات در سال‌های اخیر به ویژه در حوزه ارتباطات اجتماعی پیدا کرده، آن را به یکی از مهم‌ترین رشته‌های روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی تبدیل نموده است؛ به طوری که در تحقیقاتی که چندی پیش توسط یکی از دانشگاه‌های معتبر جهان بر روی یکصد هزار نفر صورت گرفت، قدرت ارتباط با دیگران به عنوان اولین رمز موفقیت فرد در دنیای امروز مطرح شده است. دکتر میثاق در ادامه بحث در خصوص تأثیر و اهمیت



ارتباطات غیر کلامی نظیر حرکات دست و صورت به ویژه صوت و آهنگ صدا و شکل بیان مطالب در مذاکره با دیگران به ویژه مصاحبه‌های گزینشی توضیحاتی دادند و در ادامه به ۱۲ ویروس ارتباطی که عموماً موجب تزلزل و حتی قطع ارتباطات سالم میان فردی می‌شود، شامل: تحقیر دیگران، جدل و جر و بحث، سرزنش دیگران، نیش و کنایه، دروغ و خلاف واقع گفتن، تحریک کردن، مچ‌گیری، محاکمه نمودن، تهدید کردن، متهم نمودن، واکنش سریع و شدید و به صورت دستوری عمل کردن به جای سیستم مشارکتی، اشاره داشته و مفصلاً توضیح دادند.

انشاءالله در شماره آتی، بخش هائی از سخنان ایشان جهت اطلاع شما گزینشگران عزیز، درج خواهد شد.

### دوره آموزشی ویژه مسئولین هسته‌های گزینش

دوره آموزشی ویژه مدیران و اعضای هسته‌های گزینش به مدت چهار روز در مشهد مقدس برگزار گردید. در این دوره که از روز ۱۳۸۲/۷/۲۹ لغایت ۱۳۸۲/۷/۲۲ در مرکز گسترش مدیریت مراقبت‌های بهداشتی اجرا گردید، تعداد ۹۰ نفر شرکت نمودند.



طبق برنامه در این دوره آموزشی دروس تکنیک‌ها و دستورالعمل مصاحبه، کاربرد روانشناسی و تکنیک‌های تحقیق تدریس شد.

### اجرای دوره تکنیک‌های تحقیق در اردوگاه شهید باهنر

به دنبال اجرای دوره آموزشی تکنیک‌های تحقیق در مرکز تربیت معلم شهید شرافت که تعداد ۱۷۰ محقق از استان‌های مختلف کشور مورد آموزش قرار گرفتند، تعداد ۵۰ نفر دیگر از استان‌های اعلام شده در دوره آموزش تکنیک‌های تحقیق شرکت نمودند. این دوره در روزهای ۱۶ و ۱۷ شهریورماه در اردوگاه شهید باهنر برگزار گردید.

در پایان نیز شرکت‌کنندگان مورد آزمون قرار گرفتند. برای پذیرفته شدگانی که حداقل ۵۰ درصد امتیاز آزمون را کسب کردند، گواهی نامه صادر گردید.

### برگزاری دوره آموزشی کاربرد روان‌شناسی در گزینش

در ادامه برگزاری دوره‌های علمی-کاربردی، آموزش یکروزه تحت عنوان "کاربرد روانشناسی در گزینش" روز چهارشنبه مورخ ۸۲/۷/۲۳ در باشگاه نهاد ریاست جمهوری برگزار شد. در این گردهمایی آموزشی که حدود ۲۰۰ نفر از مدیران، اعضا و مصاحبه‌گران هسته‌های گزینش استان تهران شرکت داشتند، مباحثی پیرامون روانشناسی تعامل اجتماعی، ارتباطات میان فردی، ویژگی‌های ارتباطات خلاق و غیرخلاق، ویروس‌های ارتباطی و ... توسط آقای دکتر ابراهیم میثاق مطرح گردید.

ایشان در بخشی از سخنان خود چنین اظهار داشت:



## بازدید از منطقه ویژه اقتصادی عسلویه

به منظور آشنایی با تلاش های ایتارگران عرصه سازندگی ایران اسلامی، هیأت عالی گزینش با همکاری هیأت مرکزی گزینش وزارت نفت و به همراه هیأتی متشکل از دبیران، اعضا و مسئولان دبیرخانه هیأت های مرکزی گزینش وزارتخانه ها و سازمان ها در روز شنبه مورخ ۱۳۸۲/۸/۳ از منطقه ویژه اقتصادی - انرژی پارس (عسلویه) بازدید کردند.



در جریان این سفر که حدود یکصد نفر از همکاران هیأت های مرکزی گزینش حضور داشتند از پالایشگاه های فازهای اول، دوم و سوم و اسکله صادراتی گوگرد و مجتمع پتروشیمی و اسکله صادراتی در منطقه بازدید به عمل آمد و طرح های توسعه شرکت نفت و گاز پارس جهت بهره برداری از میدان عظیم گازی پارس جنوبی برای بازدید کنندگان تشریح گردید. در پایان بازدید نیز دبیر هیأت عالی گزینش از طرف بازدید کنندگان از تلاش های ارزنده کارکنان زحمتمکش در شرکت نفت و گاز پارس و همه کسانی که در راه خودکفایی مملکت اسلامی کوشش می نمایند و همچنین همکاران در هیأت مرکزی گزینش وزارت نفت به ویژه آقای نجم الساداتی دبیر هیأت که زمینه لازم را جهت انجام این بازدید فراهم نمودند تشکر و قدردانی کرد.



لازم به توضیح است که میدان گازی پارس جنوبی یکی از بزرگ ترین منابع مستقل گاز جهان است که بر روی خط مرزی مشترک ایران و قطر در خلیج فارس قرار دارد و یکی از اصلی ترین منابع انرژی کشور به شمار می رود. مساحت این میدان برابر با ۳۷۰۰ کیلومتر مربع و دارای ذخیره ای معادل ۴۵۰ تریلیون فوت مکعب گاز و ۱۷ میلیارد بشکه میعانات گازی است که حدود ۶/۸ درصد کل ذخایر گاز جهان و بیش از ۳۸ درصد کل ذخایر گازی کشور را به خود اختصاص داده است و منطقه بسیار مهم اقتصادی در زمینه انرژی برای کشور محسوب می شود.

در انتهای جلسه نیز به سوالات شرکت کنندگان پیرامون مسائل اجرایی و ضوابط و مقررات مربوط به قانون گزینش پاسخ داده شد. لازم به ذکر است که ارزشیابی شرکت کنندگان در این دوره با ارائه کار تحقیقاتی انجام می شود و برای افرادی که نصاب لازم را کسب نمایند، گواهی نامه شرکت در دوره آموزشی ارسال می شود.

## برگزاری دومین کارگاه آموزشی ارتقای کیفیت گزینش

دومین کارگاه آموزشی ارتقای کیفیت گزینش در روزهای ۱۳ الی ۱۵ مهر ماه با هدف آموزش و هم آموزی مدیریت کیفیت، ارتقای مستمر کیفیت گزینش، آموزش مهارت های ارتباطات سالم فردی، آسیب شناسی مصاحبه، تحقیق و ارزیابی برگزار گردید.



این کارگاه آموزشی به همت دبیرخانه هیأت مرکزی گزینش وزارت جهاد کشاورزی و با مساعدت هیأت عالی گزینش برای حدود ۳۰ نفر از مدیران هسته های گزینش سازمان جهاد کشاورزی استان ها برگزار گردید. در مراسم افتتاحیه این کارگاه آقای توکلیمان معاون دبیر هیأت عالی گزینش به ایراد سخن پرداخت. ایشان با بیان اصول حاکم بر مدیریت ارتقای کیفیت (TQM) گزینشگران را به آشنایی هر چه بیشتر با علوم و فنون روز فراخواند. معاون دبیر هیأت عالی گزینش در بخش دیگری از سخنان خود ضمن ارائه تعریفی جامع از آسیب شناسی، توجه به مسأله آسیب شناسی گزینش را مهم توصیف نمود و هدف از آموزش ارتقای مستمر کیفیت در این دوره را بازآموزی روش ارتقای کیفیت در فعالیت های جاری گزینش و کاهش عوامل مداخله گر عنوان کرد.

طی روز اول این کارگاه، مطالب مربوط به روش ارتقای مستمر کیفیت (CQI) که در کارگاه مقدماتی مطرح شده بود، مرور گردید و ضمن بازآموزی مطالب، فعالیت های عملیاتی استان های مختلف در جهت ارتقای کیفیت هسته های گزینش مورد بحث و بررسی کارگاهی قرار گرفت. در روز دوم نیز مباحث مربوط به مهارت های ارتباطات سالم و نقش زیربنایی آن در گزینش مبتنی بر نظریه تحلیل رفتار متقابل در فضاهای سازمانی به بحث گذاشته شد.

در روز سوم نیز آسیب شناسی مصاحبه و مهارت های مصاحبه موفق و محدودیت های آن و نیز آسیب شناسی تحقیق و مهارت های لازم در خصوص یک فعالیت تحقیقی سالم مورد بحث قرار گرفت. در این جلسه جنبه های موفق یک ارزیابی سالم بدون سوگیری، به منظور رعایت اصول و مبانی گزینش بدون سوگیری به بحث گذاشته شد.

در پایان این کارگاه توسط هیأت عالی گزینش از شرکت کنندگان در دوره آزمون کتبی بعمل آمد.

## برگزاری مسابقه کتاب خوانی

مسابقه کتاب خوانی با موضوع "زن در آینه جمال و جلال" برگزار شد. مقارن با هفته گرامیداشت مقام زن، سوالات این مسابقه به کلیه واحدهای گزینش در سراسر کشور ارسال گردید. در این مسابقه که مختص خواهران گزینشگر بود تا موعد مقرر یعنی در آستانه میلاد خجسته حضرت ولی عصر (عج) تعداد ۳۱۳ پاسخنامه دریافت شد که آن را به فال نیک گرفته، ضمن تقدیر از استقبال چشمگیر همکاران گرامی، اسامی نفرات برتر به ترتیب ذیل اعلام می گردد:



زهره ترابیان (تهران، علوم پزشکی)، پروین طهماسبی (تهران، علوم پزشکی)، سارا سادات مصطفوی (تهران، بانک ملی)، سکینه تجاره (اصفهان، بانک ملی)، مرضیه بشیری (اهواز، آموزش و پرورش)، مریم خدادادزاده (شاهرود، علوم پزشکی)، جمیله حسین زاده (تهران، تأمین اجتماعی)، زهرا بابایی (تهران، علوم پزشکی) شایان ذکر است به منظور ترویج فرهنگ کتاب خوانی و روحیه دانش پژوهی، علاوه بر نامبردگان، به تعداد دیگری از خواهران که امتیازات قابل قبولی کسب نموده اند، جوایزی اهدا می گردد. البته در انتخاب این افراد، شاخص هایی از قبیل فراوانی شرکت کنندگان بر حسب استان و هیأت و نیز درصد سهمیه آنها از کل برندگان با توجه به امتیاز کسب شده اعمال گردید و در مواردی که امتیازات چند شرکت کننده از یک هیأت یکسان بوده ضمن توجه به کلیه جوانب، به قید قرعه یک نفر برگزیده شده است.

اضافه می نماید به همه شرکت کنندگان لوح یادبود شرکت در مسابقه اعطا خواهد شد.

## درگذشت چهار گزینشگر بسیجی

با خبر شدیم در روز پانزدهم شهریور ماه سال جاری چهار نفر از عزیزان گزینشگر هسته گزینش دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی استان آذربایجان شرقی به نام های مرحومان سیدجعفر موسوی (محقق)، عادل کریم زاده (محقق)، یحیی عجول آبادی (راننده) و ایوب فرشبافیان (پراتور رایانه) هنگامی که به جهت انجام امور اداری عازم تهران بودند، متأسفانه در حوالی شهرستان بستان آباد در اثر سانحه رانندگی به رحمت ایزدی پیوستند.



عادل کریم زاده



سید جعفر موسوی



ایوب فرشبافیان



یحیی عجول آبادی

نشریه پیام گزینش برای آن عزیزان از دست رفته، طلب آموزش و غفران الهی، و برای بازماندگان و خانواده های معزز و داغدارشان اجر جزیل و صبر جمیل خواستار است. ضمناً به مناسبت اربعین عروج شهادت گونه این عزیزان از سوی هسته گزینش مربوطه ویژه نامه ای تحت عنوان "رحیل" چاپ گردید که اختصاص به معرفی این عزیزان و شرح واقعه دارد.

بدینوسیله از زحمات همکاران هسته گزینش به خاطر چاپ این ویژه نامه قدردانی می گردد.

## نکات کاربردی در تحقیق



### نکات کاربردی در تحقیق

#### پرسش از منبع و گرفتن اطلاعات در مورد داوطلب

در شماره های پیشین نشریه، وظایف محقق قبل از شروع تحقیق بیان شد، خصوصیات منابع نیز ذکر گردید، همچنین راه هایی برای ایجاد ارتباط حسنه و جلب اعتماد منبع بیان شد و در نهایت انواع تحقیق از نظر نحوه گرفتن اطلاعات از منابع توضیح داده شد. اکنون به قسمت اصلی کار تحقیق می پردازیم که همان مصاحبه با منبع و اخذ اطلاعات پیرامون داوطلب می باشد.

۱. به منظور ایجاد یا تقویت رابطه حسنه با منبع و آسوده نمودن خاطر او، جهت ارائه اطلاعات، لازم است در مکان و زمان مناسبی با وی صحبت شود.

تذکر: اختفا (انجام کار به صورت محرمانه) در فرایند تحقیق، یک اصل است و حتی المقدور باید رعایت شود.

۲. بیان اهمیت و حساسیت شغلی که داوطلب، متقاضی آن است و ضرورت گزینش و انتخاب اصلح از سوی محقق، آن هم قبل از طرح سوالات، باعث می شود تا منبع با احساس مسئولیت بیشتر و انگیزه مذهبی، ملی و در جهت انجام تکلیف شرعی، به آنها پاسخ دهد.

بدیهی است که اگر "منبع" کار را مهم یا عبادت بداند، با دقت و اشتیاق بیشتری نظر می دهد.

۳. یک تذکر قیامتی مبنی بر اینکه "اگر بخاطر سهل انگاری ما فرد ناصالحی جذب شود، باید در پیشگاه الهی پاسخگو باشیم"، منبع را هوشیار می کند و با در نظر گرفتن نظارت الهی سعی می کند پاسخ های خود را صادقانه و به دور از حب و بغض نفسانی بیان کند.

۴. اگر صادقانه به منبع بگوئیم که قبل از تماس با وی از افراد دیگری اطلاعات گرفته ایم یا بعد از او نیز با افراد دیگری صحبت خواهیم کرد، این موضوع موجب می گردد که منبع سعی کند حداقل برای حفظ آبرو و اعتبار خود نزد محقق (برای اینکه

حرف هایش با سایر منابع اختلاف نداشته باشد) اطلاعات صحیح ارائه نماید.

۵. محقق باید سعی کند در هنگام صحبت با یک منبع، عوامل مزاحم را که باعث کاهش دقت او می شود (مثل نوشتن زیاد، مطالعه یا صحبت با دیگری) از خود دور کند؛ زیرا این امور موجب بروز حواس پرتی برای منبع نیز می گردد.

تذکر: اصل بر این است که اهم مطالب و اطلاعات منبع به فرم تحقیق منتقل گردد ولی توصیه می شود محقق در حین صحبت با منبع فقط بعضی از نکات مهم را یادداشت برداری کند و پس از اتمام تحقیق و در اولین فرصت و در محلی مناسب، بقیه موارد را تکمیل کند. بدین ترتیب او به منبع کمک می کند تا با فراغ بال صحبت کرده و موجبات حواس پرتی خود و او را فراهم نمی نماید.

۶. نظر به اینکه برخی از منابع، مفاهیم و مصادیق مربوط به گزینش را نمی دانند، لازم است محقق موارد مذکور را فرا گرفته و نسبت به توضیح آنها به منابع اقدام نماید.

۷. نوع و سطح سوالات باید متناسب با تحصیلات، سن، جنسیت، مذهب، فرهنگ منطقه و شغل و مسئولیت داوطلب و منبع باشد. ۸. محقق با استفاده از جملات ساده و مثال های روشن باید مطمئن شود که منبع، منظور او را از سؤال مربوطه متوجه شده است. ۹. از طرح سوالات قالبی، کلیشه ای و یکنواخت خودداری گردد.

۱۰. لازم است سوالات در کلیه محورهای تحقیق با هدف کشف شایستگی های متقاضی و به شکلی مثبت مطرح گردد تا مردم و به خصوص منابع (به غلط) گمان نکنند گزینشگران فقط به دنبال پیدا کردن نقاط ضعف داوطلبین می باشند.

تبصره: بدیهی است که اگر منبع در پاسخ سؤالی که به شکل مثبت طرح شده، به ضعفی از داوطلب اشاره کند، محقق موظف است مورد مذکور را پیگیری و روشن نماید.

۱۱. سوالاتی که طرح آنها مجاز نمی باشد عبارتند از:

(الف) سوالات بی هدف که اثری در کار گزینش داوطلب ندارد.

(ب) سوالاتی که القای شبهه کرده یا حیثیت متقاضی را زیر سؤال می برد.

(ج) سوالاتی که جنبه تجسس از زندگی خصوصی داوطلب یا افراد خانواده وی داشته باشد.

تذکر: سؤال در مورد وضعیت خانواده باید به صورت کلی طرح شود؛ مثلاً سؤال شود خانواده ایشان از نظر اعتقادی، سیاسی و اخلاقی چگونه هستند؟ و تحقیق در مورد اعضای خانواده متقاضی (پدر، مادر، خواهر، برادر و فرزند) ممنوع می باشد؛ همچنین محقق نباید از نوع پوشش، رفتار و اخلاق داوطلب و خانواده اش در داخل منزل، اختلافات خانوادگی و ... که از مسائل خصوصی افراد می باشد پرسش نماید.

(د) سؤال ابتدایی منفی (با عنایت به بند ۱۰ فوق و تبصره آن)

(ه) سؤال از موارد اختلافی حساسیت زا بین شیعه و سنی

(و) سوالاتی که شائبه ی جناحی داشته و موجب بروز حساسیت در افراد می گردد؛ مانند سؤال از کاندیدای داوطلب در انتخابات یا سوالاتی که گرایش افراد به جناح های سیاسی مورد تأیید نظام را مورد ارزیابی قرار می دهد.

۱۲. برای شروع سوالات، اگر محقق بجای طراحی سؤال به صورت ریز و جزئی، یک پرسش باز و کلی مطرح کند در این صورت منبع تشویق می شود تا هر اندازه که مایل است مطالب را بگوید و احتمالاً باعث ارائه پاسخ های عمیق تری نیز می شود.

۱۳. بدیهی است که با یک سؤال همه چیز بیان نمی شود و نیاز است که پرسش های تکمیلی نیز مطرح گردد؛ گاهی هم تناقض ها یا نکات مبهمی در صحبت های منبع وجود دارد که با طرح پرسش های بعدی آنها نیز روشن می شوند.

۱۴. محقق باید برداشت هایی را که خود از پاسخ های منبع داشته، با وی در میان بگذارد تا مطمئن شود پیام مورد نظر را به طور کامل و صحیح دریافت کرده است.

۱۵. محقق در هنگام گوش دادن، باید به منبع (اگر همجنس باشد) نگاه کند و با سر تکان دادن و تأیید ضمنی مطالب، علاقه خود را به ادامه صحبت با او نشان دهد.

۱۶. محقق باید از فن مشاهده، خوب استفاده کند و به بخش های غیر کلامی پیام منبع، دقت کند. حرکت چشم، تغییر وضع صورت، پیشانی، ابرو، لب ها و حرکات دست و پا همه دارای پیام است و توجه به آنها در گوش دادن ایجاد ارتباط مؤثر است.

ادامه دارد



## تذکرات مهم در پاسخگویی به بستگان داوطلب

**الف - جلسه پاسخگویی همانگونه که قبلاً گفته شد از حساسیت خاصی برخوردار است که پاسخگو باید با رعایت اصول اخلاقی و احترام به داوطلب، با طرح مقدماتی راجع به کار داوطلب، جلسه را شروع کند و در ادامه با اشاره به برخی حسن های او، وی را آماده طرح دلایل صدور رأی منفی نماید.**

(با این روش در بسیاری از موارد، داوطلب مقاومت کمتری نشان داده است و حتی با خوش رویی پذیرای ضعف های خود بوده است.) سپس حتی المقدور جلسه پاسخگویی به صورت انفرادی (با حضور داوطلب و پاسخگو) انجام شود که در این موارد نیز پاسخگو دقت دارد جلسه و جو حاکم خدشه دار نشود و در صورت درخواست همراهان داوطلب، برای حضور در جلسه، ابتدا با لحنی آرام به همراهان تفهیم شود که طبق مقررات ابتدا در خدمت داوطلب خواهیم بود و دلایل را به ایشان عرضه می کنیم و در صورتی که نیاز بود می توانیم در خدمت شما هم باشیم. اگر در موارد نادری اینگونه برخورد، همراه داوطلب را متقاعد نکرد، نباید در مقابل درخواست او برای حضور در جلسه پاسخگویی مقاومت نشان بدهیم چه بسا این مسأله موجب بروز حساسیت و کنجکاوی و خدای ناکرده توهمات برای همراه داوطلب گردد که البته این موضوع در رابطه با داوطلبین زن به ویژه زمانی که همسرشان با آنان مراجعه کرده است، قابل تأمل تر می باشد.

در این موارد پاسخگویی باید در محدوده ضوابط پاسخگویی به بستگان انجام شود نه در محدوده پاسخگویی به خود داوطلب و حتی الامکان سعی شود که فقط یک نفر از بستگان داوطلب حضور داشته باشد و پاسخگویی همزمان با حضور چند نفر، صورت نگیرد.

**ب - پاسخگو باید با درایت و دقت مسائل را به گونه ای مطرح کند که موجب بروز اختلال در روابط خانوادگی افراد نشود.**

**ج - منظور از بستگان داوطلب، وابستگان درجه یک او هستند شامل پدر، مادر، خواهر، برادر و همسر یا کسیکه به نحوی سرپرستی او را بعهده دارد مانند عمو یا پدربزرگ و افرادی از این قبیل.**

**د - اگر داوطلب خانم باشد حتی المقدور در حضور مادر یا خواهر او کار پاسخگویی انجام شود و اگر همسر داوطلب اصرار داشت که در حضور او پاسخگویی صورت گیرد، در مورد پرونده های خاص تعیین فرد پاسخگو مهم است که می توان به مدیر هسته ارجاع داد یا با نظر ایشان اقدام کرد.**

**ه - در بیشتر اوقات قبلاً به متقاضی پاسخگویی شده ولی داوطلب مجدداً با یکی از بستگان مراجعه می کند به امید اینکه شاید راهی پیدا شود که در این صورت نیز باز هم به یکی از بستگان او پاسخگویی می شود.**

**پاسخگو باید با درایت و دقت مسائل را به گونه ای مطرح کند که موجب بروز اختلال در روابط خانوادگی افراد نشود.**

## پاسخگویی

اشاره:

در بحث روابط عمومی "پاسخگویی" و "اطلاع رسانی" می تواند حاوی ۲ هدف مهم باشد:

۱. رفع ابهام از افراد

۲. اصلاح و جبهه سازمان متبوع در نزد مخاطبان از آنجا که مخاطب دستگاه هایی چون گزینش عام هستند و با بدنه عمومی جامعه در ارتباط هستند، باید روابط عمومی خود را در جهت اهداف مذکور سازماندهی کنند البته باید این نکته را توجه داشت که منظور از عموم، تک تک افراد جامعه را شامل می شود مشروط بر آنکه مرتبط با دستگاه مذکور باشند؛ بنابراین:

۱. نظام گزینش کشور از یک سو در برخی موارد نیازمند اطلاع رسانی به تمام جامعه و از طریق رسانه های ارتباط جمعی است و آن در صورتی است که نامی از آن در جامعه برده می شود. در این هنگام باید به تناسب ظرفیت جامعه و مطلب مطرح شده (مثبت یا منفی) و با تئیه و هوشیاری، به اطلاع رسانی پرداخت. این اطلاع رسانی را می توان اطلاع رسانی عمومی نامید.

۲. نظام گزینش از سوی دیگر نیازمند برخی موارد اطلاع رسانی به افرادی می باشد که به نحوی خاص با آن ارتباط می یابند. این افراد غالباً شامل داوطلبان استخدامی هستند به خصوص افرادی که در تعامل با این مجموعه، نتیجه مثبت عایدشان نشده است. در این صورت به هیچ وجه نمی توان اطلاع رسانی را عمومیّت بخشید و باید در راستای دو هدف مذکور به شفاف سازی و پاسخگویی پرداخت. این نوع اطلاع رسانی را نیز می توان اختصاصی نامید.

این مقاله حاوی نکاتی است در ارتباط با پاسخگویی خاص (در محدوده اطلاع رسانی اختصاصی) به داوطلبانی که در روند گزینشی خود توفیق نیافته و ممکن است نگرشی منفی نسبت به این روند یا کل نظام گزینش پیدا کنند.

چون بستگان داوطلب معمولاً بدلیل پیوند عاطفی و روانی که با وی دارند درصدد حمایت و توجیه ضعف‌های وی برمی‌آیند لذا پاسخگو نباید در بیان ضعف‌های داوطلب اصرار ورزد و کار را به مجادله بکشاند.



اول نباید به بستگان او پاسخگوئی شود مگر داوطلب رضایت خود را از اینکار اعلام کرده باشد و بهتر است از آنان درخواست شود که ابتداء خود داوطلب را برای دریافت پاسخ به گزینش بفرستند و چنانچه پس از پاسخگوئی به داوطلب خود وی اصرار داشت که به بستگان هم گفته شود در آنصورت نیز گزینش آماده پاسخگوئی خواهد بود البته اگر همه این تلاش‌ها فایده نکرد خصوصاً اگر از راه دور آمده و متحمل هزینه و وقت زیادی شده باشند با اجازه از داوطلب مانعی ندارد که به بستگان (ولو اینکه قبلاً به داوطلب پاسخگوئی نشده باشد) فقط به صورت کلی پاسخگوئی شود.

**تذکر ۳.** در حضور خانواده داوطلب بیان شود «که ما با توجه به نوع مسئولیتی که به افراد واگذار می‌کنیم طبیعتاً انتظارات متفاوتی هم از مراجع خود داریم اما این دلیل بر نفی سایر ویژگی‌های مثبت افراد نیست» و سپس رو به داوطلب کنیم و به او بگوییم اگر خاطرتان باشد ما قبلاً در جلسه‌ای که در خدمت شما بودیم ضوابط خود را در پذیرش نیرو عرض کردیم و حالا اگر موافق باشید از زبان خودتان دلایل ما برای خانواده مطرح شود و هر جا که نیاز بود بنده در خدمت شما هستم.

در این گونه موارد متوجه می‌شویم که داوطلب چقدر تمایل دارد خانواده‌اش از دلایل صدور رأی مطلع شود و با آگاهی از جو حاکم بین او و خانواده‌اش می‌توانیم با دقت و ظرافت به او کمک کنیم تا بستگان را قانع کند. البته این نکته را در نظر داشته باشید که (هر پرونده‌ای هرچند منفی حتماً چند ویژگی مثبت از داوطلب دارد که پاسخگو با طرح آنها در مقدمه صحبت‌ها و بعضاً پرورش آن می‌تواند زمینه بسیار مطلوبی را برای داوطلب و خانواده‌اش در بیان دلایل صدور رأی منفی فراهم آورد).

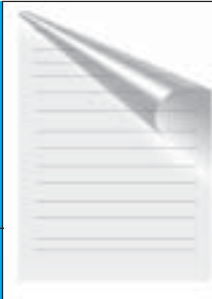
**تذکر ۴.** چون بستگان داوطلب معمولاً بدلیل پیوند عاطفی و روانی که با وی دارند درصدد حمایت و توجیه ضعف‌های وی برمی‌آیند لذا پاسخگو نباید در بیان ضعف‌های داوطلب اصرار ورزد و کار را به مجادله بکشاند به طوری که همراهان متقاضی تصور کنند پاسخگو با داوطلب خصومت شخصی دارد بلکه پس از بیان موارد منفی بالحنی آرام گفته شود که «مطالب با توجه به تحقیق و مصاحبه بدست آمده و اگر آنان به این نظر اعتراض داشته باشند می‌توانند از طریق هسته یا هیأت مرکزی یا هیأت عالی درخواست تجدیدنظر نمایند».

**تذکر ۱.** حضور خویشاوندان هنگام پاسخگوئی به دو صورت اتفاق می‌افتد گاهی متقاضی همسر، پدر، برادر، یا خواهر خود را همراه می‌آورد تا پیگیری کار قوی‌تر انجام شود و گاهی متقاضی اصلاً علاقمند نیست کسی همراه او بیاید ولی شوهر یا پدرش اصرار به آمدن دارند در هر دو صورت مسئله حساس است و پاسخگو باید دقت لازم را معمول دارد و حتی الامکان با جملات کلی پاسخگوئی شود. گاهی اصرار پاسخگو به اینکه فقط به داوطلب پاسخ می‌دهم شبهه همراه را قوی‌تر می‌کند و در زندگی آنها مشکل ایجاد می‌کند لذا در اینگونه موارد باید از بیان مسائل ریز اخلاقی پرهیز نمود و به بیان مسائل دیگر آنها با ظرافتی خاص پردازد، مخصوصاً ضعف‌هایی که خیلی بارز است و چه بسا همسر داوطلب هم از آن خبر دارد ولی بعنوان ضعف تلقی نمی‌کند مثل ضعف حجاب و کاهل نماز بودن.

در صورتیکه پاسخگو تشخیص دهد داوطلب با اکراه، همسر یا پدر خود را همراه آورده است و اصلاً دوست ندارد از مسائل پرونده او آگاه شوند باید سعی کند به بیان کلیات بپردازد و مواردی را که نوعاً اشخاص به علت وجود آن موارد مردود می‌شوند به صورت کلی بیان کند تا در یک موقعیت مناسب به خود داوطلب پاسخ دهد.

**تذکر ۲.** چنانچه بستگان داوطلب بدون وی مراجعه کنند در این صورت از طریق مراجعه به پرونده چنانچه مشخص شود قبلاً به خود داوطلب پاسخگوئی نشده است در مرحله

هر پرونده‌ای هرچند منفی حتماً چند ویژگی مثبت از داوطلب دارد که پاسخگو با طرح آنها در مقدمه صحبت‌ها و بعضاً پرورش آن می‌تواند زمینه بسیار مطلوبی را برای داوطلب و خانواده‌اش در بیان دلایل صدور رأی منفی فراهم آورد.



# مقاله

## مقاله

### مبانی اخلاق اداری

(قسمت هشتم)

اشاره

وجود اخلاق اداری در زندگی کاری انسان، موجب رضایت شغلی و احساس رضایتمندی از یک سو و رضایت مردم و پیشرفت امور کاری از سوی دیگر می شود.

قطعاً تأکید بر اخلاق اداری و لزوم پایبندی به آن از اسباب و وسایلی است که می تواند جامعه را به سوی پیشرفت و نیل به اهداف متعالی سوق دهد.

در سلسله مباحث گذشته پیرامون مبانی اخلاق اداری از ابتدا موضوع نگاه شناسی به عنوان مهم ترین مبنا در سامان یافتن اخلاق اداری، تصحیح بینش کارکنان و به سامان آوردن نوع نگاه آنان متأثر از نوع نگاه آدمی به کار و امور اداری مطرح گردید؛ اینکه انسان از چه منظری به خود و دیگران در این عرصه می نگرد و کار کردن را چگونه می بیند و چه دریافتی از این امور دارد. مبحث نگاه شناسی را به چند نوع نگاه تقسیم کردیم (مثل نگاه به خود، نگاه به کار و مسئولیت، نگاه به مسئولان و نگاه به مردمان) و راجع به هر یک از آنها مفصلاً شرح مبسوطی ارائه شد و کلام و گفتار امیرمؤمنان را پیرامون این موضوعات زینت بخش مباحث قرار دادیم. در قسمت دوم مباحث مبانی اخلاق اداری موضوع حقوق شناسی را مطرح کردیم و گفتیم که شناخت حقوق و توجه به حقوق متقابل و محور قرار گرفتن حقوق به مثابه بنیان اخلاق اداری است. تا زمانی که اشخاص به حقوق گوناگون واقف نشوند و رعایت آن حقوق را محور کار خود قرار ندهند، اخلاق اداری از تکیه گاهی محکم برخوردار نخواهد شد.

اگر انسان به حقوق خود و دیگران آشنا باشد، جایگاه خود و دیگران را به درستی می شناسد و حد و مرزهای متقابل را درمی یابد و همین دریافت زمینه اصلاح اخلاق اداری را فراهم می نماید.

همچنین در مباحث گذشته مبانی اولی و اصلی حقوق که از منظر امیرمؤمنان جعل الهی است، مطرح شد و گفتیم که از دیدگاه حضرت علی (ع) هر حقی به جعل الهی باز می گردد؛ زیرا

تنها اوست که مالک علی الاطلاق است و همه چیز از اوست.

همچنین در مورد حقوق متقابل، حقوق و حدود، حقوق خود و حقوق کار و مسئولیت مطالبی را بیان کردیم. اینک در قسمت هشتم ادامه بحث را پی می گیریم.

### حقوق مسئولان

بخش دیگری از حقوق در نظام اداری که باید شناخته و رعایت گردد، حقوق مسئولان است. هر کس در هر مرتبه ای از مراتب نظام اداری در حدود قانون، حقوقی دارد و بدون آشنایی و پاسداری از این حقوق، نظام اداری به سمت مطلوب پیش نمی رود. امام علی (ع) در خطبه ای که به تبیین حقوق متقابل مردمان و زمامداران پرداخته، کلیات حقوق مسئولان را چنین برشمرده است:

”مردم! مرا بر شما حقی است، و شما را بر من حقی... اما حق من بر شما این است که به بیعت وفا کنید، و در نهان و آشکارا حق خیرخواهی را ادا کنید، و چون شما را بخوانم بیابید، و چون فرمان دهم بپذیرید، و از عهده برآیید.“ (۱)

وفاداری به تعهدات و نصیحت و خیرخواهی در حضور و غیاب و بیان مسائل برای رفع اشکالات و مشارکت پذیری و فرمانبرداری صحیح، از جمله حقوقی است که امام علی (ع) برای زمامداران و مسئولان برمی شمرد؛ و هر شخصی با کمترین دقت درمی یابد که این امور هر چند با عنوان حقوق زمامداران و مسئولان بر مردمان مطرح شده است؛ ولی خواست امام (ع) از این حقوق تأمین منافع دنیا و آخرت مردمان است و این امور حقوقی است در اختیار زمامداران و مسئولان برای خدمتگزاری به مردمان؛ زیرا وفا کردن آنان به بیعت، بیانگر پایبندی ایشان به مقررات و قوانین و تقوای در امور است، و نیز حفظ روحیه نصیحت و خیرخواهی و مشارکت در کارها که ضامن سلامت و قوت امور است، و فرمانبرداری در آنچه حق است که تأمین کننده

کرامت و سعادت ایشان است. (۲)

بی گمان چون مسئولان به خوبی امانتداری و خدمتگزاری نمایند و مردمان حقوق آنان را پاس دارند، روابط و مناسبات اداری آنان می گردد که در نگاه امیرمؤمنان علی (ع) بی اعتنایی به این دو امر و سبک شمردن امانتداری و خدمتگزاری مردمان و نیز ناراستی رواداشتن با مسئولان به عنوان تباه کننده ترین عامل در نظام اداری لحاظ می گردد. آن حضرت در نامه ای اداری چنین فرموده است:

”هر که کار امانت [مسئولیت] را سبک بشمارد، و در آن خیانت روا دارد، و جان و دین خود را از خیانت پاک ننماید، در این جهان در خواری و رسوایی را به روی خویش بگشاید، و به آخرت خوارتر و رسواتر درآید؛ و بزرگ ترین خیانت، خیانت به مردمان است و زشت ترین دغلیکاری، ناراستی کردن با زمامداران.“ (۳)

مشخص است که آنچه حقوق مداری را جلوه می دهد، شناخت حقوق متقابل و پایبندی به ادای این حقوق است که ضامن اخلاق اداری و بزرگواری و ارجمندی متقابل مردمان و مسئولان است.

### ادای حقوق متقابل

شناخت حقوق متقابل و ادای این حقوق بهترین مبنا در شکل گیری اخلاق اداری است. امیرمؤمنان علی (ع) درباره پیامدها و نتایج ادای این حقوق چنین فرموده است:

”پس خدای سبحان برخی از حق های خود را برای بعض مردمان واجب داشت، و آن حق ها را برابر هم نهاد، و واجب شدن حقی را مقابل گزاردن حقی گذاشت؛ و حقی بر کسی واجب نبود مگر حقی که برابر آن است گزارده شود و بزرگ ترین حق ها که خدای سبحان واجبش کرده، حق زمامدار بر مردم است و حق مردم بر زمامدار، که خدای سبحان آن را واجب نمود، و حق هر یک را به عهده دیگری واگذار فرمود، و آن را موجب برقراری پیوند آنان و مایه ارجمندی دین ایشان. قرار داد؛ پس حال مردمان نیکو نگرند جز آن گاه که زمامداران نیکو رفتار باشند؛ و زمامداران نیکو رفتار نگردند، جز آنگاه که مردمان درستکار باشند. پس چون مردم حق زمامدار را بگذارند، و زمامدار حق مردم را بجای آرد، حق میان آنان بزرگ مقدار شود، و راه های دین پدیدار، و

**امام علی(ع) حقوق متقابل زمامداران و مردمان را از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین حقوق دانسته و ادای آن را وسیله الفت متقابل و ظهور مناسبات انسانی و ارجمندی دین و سرافرازی همگانی و پیدایش دادگری و حاکم شدن سنت‌های نیکو و صلاح و سامان مردمان و پایداری دولت معرفی کرده است.**

نشانه‌های عدالت برجا، و سنت چنانکه باید اجرا گردد، پس کار زمانه آراسته و طمع در پایداری دولت پیوسته، و چشم از دشمنان بسته گردد." (۴)

امام علی(ع) حقوق متقابل زمامداران و مردمان را از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین حقوق دانسته و ادای آن را وسیله الفت متقابل و ظهور مناسبات انسانی و ارجمندی دین و سرافرازی همگانی و پیدایش دادگری و حاکم شدن سنت‌های نیکو و صلاح و سامان مردمان و پایداری دولت معرفی کرده است. از این رو مشخص است که صلاح و سامان زمامداران و مردمان در گرو ادای حقوق متقابل است و بی‌گمان با زیر پا گذاشتن این حقوق، همه چیز آسیب می‌بیند و ناگواری‌های بسیار به بار می‌آید. امام(ع) در ادامه سخن خویش در این باره چنین فرموده است:

"و اگر مردم بر زمامدار چیره شوند یا زمامدار بر مردم ستم کند، اختلاف کلمه پدیدار گردد، و نشانه‌های ستم آشکار، و تبهکاری در دین بسیار؛ راه گشاده سنت را رها کنند، و کار از روی هوا کنند، و احکام فروگذار شود و بیماری جان‌ها بسیار و بیم نکنند که حقی بزرگ فرو نهاده یا باطلی سترگ انجام داده شود آن گاه نیکان خوار شوند، و بدکاران بزرگ مقدار، و تاوان فراوان بر گردن بندگان از جانب پروردگار [حتمی شود]." (۵)

عدم رعایت حقوق متقابل پیامدهایی سخت ویرانگر دارد؛ چنانکه امام علی(ع) اختلاف و پراکندگی و ظلم و ستمگری را از جلوه‌های آن معرفی نموده است و آن را موجب فساد و تباهی در دین و انجام یافتن امور بر پایه هوس‌ها و تمایلات نفسانی دانسته است. عدم رعایت حقوق متقابل، نظام اداری و جامعه انسانی را گرفتار بیماری‌های بی‌شمار اخلاقی می‌سازد. زیر پا گذاشته شدن حقوق متقابل از

عمده‌ترین علل ظهور نابسامانی‌های اخلاقی از جمله کارگریزی، تندمزاجی، خودمداری، حسادت و رزی، بدرفتاری، سست پیمانی، بی‌حوصلگی، کم‌تحملی، برآشفتنی و ترشرویی است. با عادت کردن مردم و زمامداران و کارکنان دستگاه اداری به پیمان شکنی، پدیده‌ای بسیار خطرناک جلوه می‌کند، که عبارتست از اینکه تعطیل شدن حقوق، هر چند بزرگ و مهم باشد، کسی را دچار وحشت نمی‌سازد؛ به طوری که در برابر بزرگ‌ترین گناهان و بی‌حرمتی‌ها کسی احساس مسئولیت نمی‌کند. آنگاه وقتی حرمت مردمان شکسته می‌شود و کرامت انسان‌ها زیر پا نهاده می‌شود و به مرزهای اخلاقی، انسانی، اجتماعی و شغلی تعدی می‌گردد، حساسیت‌ها برانگیخته نمی‌شود؛ زیرا عادت به عدم رعایت حقوق متقابل مانند خوره‌ای روح انسانی و تعهد ایمانی و پایبندی اخلاقی را می‌خورد و زایل می‌سازد. این گونه است که نیکان و متعهدان خوار می‌شوند و بدان و نابکاران ارجمند می‌گردند و مردمان به دلیل خارج شدنشان از رعایت حقوق متقابل که عهدی الهی است، گرفتار بزرگ‌ترین کیفرها و مجازات‌ها می‌شوند. بنابراین در دیدگاه امام علی(ع) آنچه به عنوان مبنای مهم در صلاح و سامان اخلاق اداری و سلامت اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرد، شناخت حقوق و رعایت حقوق متقابل در تمام شئون و مراتب است.

### وظیفه‌شناسی

نگاه مسئولانه به وظایف و دریافت متعهدانه از وظایف (وظیفه‌شناسی) خود از مبنای اساسی در اخلاق اداری است. اینکه انسان به خوبی و به درستی با وظایف خویش و وظایف حوزه کار خویش آشنا باشد و در هر مرتبه‌ای خود را در هر لحظه نسبت به اعمال و کردار و تصمیمات و رفتار خود پاسخگو ببیند

**عدم رعایت حقوق متقابل پیامدهایی سخت ویرانگر دارد؛ چنانکه امام علی(ع) اختلاف و پراکندگی و ظلم و ستمگری را از جلوه‌های آن معرفی نموده است و آن را موجب فساد و تباهی در دین و انجام یافتن امور بر پایه هوس‌ها و تمایلات نفسانی دانسته است.**

و احساس کند که نسبت به خود، مردم، کار، مسئولان و خدا باید پاسخگو باشد و برای هر اقدام دلیلی و برای هر تصمیم توجیهی معقول داشته باشد، آن گاه وظیفه‌شناسی سامان می‌یابد.

شناخت حدود خویش و شناسایی مرزهای حیطة کار خود و عمل در این حد و مرزها (بر اساس میزان‌های روشن) است که وظیفه‌شناسی را سامان می‌دهد. اگر کسی حد و مرز و جایگاه خویش را نشناسد یا بدان پایبند نباشد، به آفت مرزشکنی گرفتار می‌آید و وظیفه‌شناسی معنایی یابد. امیر مؤمنان علی(ع) در مکتوبات اداری و فرمان‌های حکومتی و دستورالعمل‌های مدیریتی خود پیوسته کارگزاران و کارکنان دستگاه اداری را متوجه نگاه مسئولانه به وظایف و دریافت متعهدانه از وظایف، و شناخت حد و مرزها و پایبندی بدان‌ها نموده است؛ چنانکه در نامه خود به اشعث بن قیس، استاندار آذربایجان نوشته است:

"همانا کاری که بر عهده توست، به مثابه طعمه‌ای برایت نیست، بلکه امانتی است بر گردنت؛ و آن که تو را بدان کار گمارده، نگاهبانی این امانت را نیز بر عهده‌ات گذارده؛ و تو پاسخگوی آنی نسبت به آن که فرادست توست. این حق برای تو نیست که در میان مردمان به استبداد و خودرأیی عمل نمایی و به کاری دشوار جز با دستاویزی محکم درآیی. در دست تو مالی از مال‌های خدای عز و جل است، و تو آن را خزانه داری تا آن را به من بسپاری. امیدوارم برای تو بدترین والیان نباشم." (۶)

این نمونه و نمونه‌های متعدد دیگر همه، بیانگر توجه امام علی(ع) به تبیین وظایف کارگزاران و کارکنان دستگاه اداری است؛ زیرا جز با روشن شدن حیطة وظایف و پایبند گردیدن بدان، اخلاق اداری معنا نمی‌یابد.

### حیطه گسترده وظیفه‌شناسی

در نگاه امیر مؤمنان علی(ع) حیطة وظیفه‌شناسی، حیطة‌ای گسترده است که در رأس آن وظایف گسترده اداری نسبت به حفظ حرمت و کرامت انسان است و میدان آن، همه موجودات را شامل می‌شود؛ به طوری که دستگاه اداری موظف می‌شود حرمت و حدود هر موجودی را رعایت کند و نسبت به هر چیز مسئولانه رفتار نماید و بی‌مسئولیتی را در هیچ

اگر کسی حد و مرز و جایگاه خویش را نشناسد یا بدان پایبند نباشد، به آفت مرزشکنی گرفتار می‌آید و وظیفه‌شناسی معنا نمی‌یابد.

امری راه ندهد. امام(ع) در اوایل خلافت خود در خطبه‌ای درباره وظیفه‌شناسی و حیطة گسترده آن فرمود:

«همانا خدای متعال کتابی راهنما نازل فرموده و در آن نیک و بد را آشکار نموده؛ پس راه خیر را بگیری تا هدایت شوی، و از راه شر برگردید و به راه راست روید. واجبات! واجبات! آن را برای خدا به جا آرید که شما را به بهشت می‌رساند. خدا حرامی را حرام کرده که ناشناخته نیست، و حلالی را حلال کرده که از عیب خالی است، و حرمت مسلمان را از دیگر حرمت‌ها برتر نهاده، و حقوق مسلمانان را با اخلاص و یگانه پرستی پیوند داده؛ پس مسلمان کسی است که مسلمان از دست و زبان او آزاری نبیند جز آنکه برای حق بود؛ و گزند مسلمان روانیست جز در آنچه واجب شود. بر چیزی پیشی گیری که همگان را فراگیر است (مرگ)، که یک یک شما از آن ناگزیر است. همانا مردم پیش روی شما نیستند - و مرگ آنان بر شما آشکار - و مرگ از پس، شمار می‌خواند و شما در چنگال آن گرفتار؛ سبکبار باشید تا برسید، که پیش رفتگان برپایند و پس ماندگان را می‌پایند. خدا را! واپایید در حق شهرهای او و بندگان، که شما مسئولید حتی از سرزمین‌ها و چارپایان. اگر خیری دیدید آن را در بیابید، و اگر شری دیدید روی از آن برتابید.» (۷)

با این بیان، امیرمؤمنان علی(ع) حیطة گسترده‌ای از وظیفه‌شناسی را پیش روی آدمی می‌گشاید و دامنه پاسداری اخلاقی را به سرزمین‌ها و جانداران، و به شهرها و چهارپایان می‌کشاند و حرمت و کرامت آدمیان را در قله این دامنه می‌نشانند؛ و بی‌گمان کسی پاسدار مرزهای اخلاق اداری است که برای هر چیز احترام و اعتبار قائل باشد و مرزبانی را در تمام حیطة‌ها و در همه مراتب آن وظیفه خویش داند. برای اینکه این دامنه گسترده و قله این عرصه و وظایف مربوط به این امور روشن‌تر گردد، می‌توان نامه‌ای از نامه‌های امام(ع) را که دستورالعملی در اخلاق اداری خطاب به مأمور

اخذ زکات است، مرور کرد و جایگاه وظیفه‌شناسی را در اخلاق اداری از منظر امام علی(ع) شناخت. شریف رضی(ره) در مقدمه این نامه یادآور شده است که در اینجا جمله‌هایی را می‌آوریم تا بدانند که او ستون حق را برپا می‌داشت و در کارهای خرد و کلان، باریک و سترگ، نشانه‌های عدالت را برای مردمان به جای گذاشت:

«برو با ترس از خدا، که یگانه است و بی‌همتا. مسلمانی را مترسان! و اگر او را خوش نیاید، بر سر وی مران! و بیش از حق خدا از مال او مستان! چون به قبیله رسی، سر آب آنان فرود آی و به خانه‌هایشان در می‌آی! پس آهسته و آرام سوی ایشان رو تا به میان آنان رسی و سلامشان کن و در درود گفتن کوتاهی مکن!» (۸)

امام(ع) سفارش می‌کند که کارگزارانش از سر خدا ترسی و با پروا پیشگی به وظایف خود عمل کنند، تا آنجا که مبدا نحوه رفتار و سلوک و برخوردشان با مردمان به گونه‌ای باشد که در دل کسی رعب و ترس ایجاد کنند و هنگام انجام دادن وظیفه خود حرکتی غیر اخلاقی نمایند یا پا را از حق فراتر بگذارند و قانون را نادیده انگارند و بیش از آنچه معین شده است چیزی بگیرند؛ بلکه وظیفه‌شناسی اقتضا می‌کند که با مردمان در نهایت خوشرویی و خوشخویی و خوشرفتاری عمل کنند و هرگز بی‌اجازه آنان به محل کار و سکونتشان وارد نشوند، و ادب ورود و برخورد را در حد تام رعایت نمایند. امام(ع) سفارش می‌کند که مبدا در ادب لازم کوتاهی روا دارند و در سلام و درود چیزی کم گذارند. اینها نخستین وظایفی است که باید شناخته شود و به طور جدی رعایت گردد. آن‌گاه امام(ع) به تبیین وظایف کارگزار جمع‌آوری

در نگاه امیرمؤمنان علی(ع) حیطة وظیفه‌شناسی، حیطة‌ای گسترده است که در رأس آن وظایف گسترده اداری نسبت به حفظ حرمت و کرامت انسان است و میدان آن، همه موجودات را شامل می‌شود؛ به طوری که دستگاه اداری موظف می‌شود حرمت و حدود هر موجودی را رعایت کند

زکات در نحوه گرفتن زکات می‌پردازد که البته این شیوه رفتار و این ادب اداری نمونه‌ای است برای همه امور و جلوه‌ای است از اخلاق اداری مطلوب ...

(با توجه به فرازهای مذکور) ملاحظه می‌شود که امیرمؤمنان علی(ع) تا چه اندازه کارگزاران و کارکنان خود را به رعایت حرمت مردمان و دیگر جانداران توجه می‌دهد. در اخلاق اداری که آن حضرت می‌آموزد، مبنای رفتار و سلوک و برخوردها احترام همه جانبه و اطمینان به مردمان و روحیه خدمتگزاری به آنان است. در این نظام اخلاقی، رفتارها و برخوردهای کارگزاران و کارکنان با مردمان به دور از هرگونه بی‌احترامی و حرمت‌شکنی است. رفتار و برخوردهای تند و خشن در این نظام اخلاقی هیچ جایی ندارد. کسی حق ندارد کرامت ارباب رجوعی را هتک کند، نگاهی سبک به ارباب رجوع نماید، کلامی زشت بر زبان آورد. هیچ کس حق ندارد در خدمتگزاری خود پای عنصر ترس را به میان آورد و بخواهد با ایجاد ترس وظیفه خود را انجام دهد و کار خویش را پیش ببرد.

سفارش‌های امام علی(ع) در رفتار با حیوانات و ملاحظات خاص نسبت به آنها، تکلیف کارگزاران و کارکنان دستگاه اداری با مردمان را روشن می‌سازد که تا چه پایه باید حال آنان رعایت شود و اینکه نباید برای انجام دادن وظایف به روش‌های غیر کرامتی (اهانت‌آمیز) و غیر انسانی متوسل شد، بلکه برای انجام دادن وظایف و پیشبرد کارها باید راهکارهایی کاملاً لطیف و متناسب شأن آدمی و کرامت انسانی و حرمت مسلمانی یافت.

منابع:

۱. نهج البلاغه، خطبه ۳۴.
۲. ن.ک: کمال الدین میثم بن علی بن میثم البحرانی، شرح نهج البلاغه، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، صص ۸۳-۸۴.
۳. نهج البلاغه، نامه ۲۶.
۴. همان، خطبه ۲۱۶.
۵. همان.
۶. همان، نامه ۵.
۷. همان، خطبه ۱۶۷.
۸. همان، نامه ۲۵.

## راه‌های تبدیل فرهنگ عمومی به فرهنگ خدمت‌رسانی

مقدمه:

فرایند خدمت‌رسانی به جامعه اسلامی و به خصوص جامعه محرومین و مستضعفین از جمله شعارها و تأکیدی است که رهبر انقلاب و سایر بزرگان دینی همواره بر آن صحه گذاشته و کارگزاران را به این فریضه انقلابی ترغیب و تشویق نموده‌اند. اما از آنجاییکه فرهنگ عمومی خدمت‌رسانی، به گذر زمان و بلوغ فکری مسئولین نیازمند است باید در این خصوص سعه صدر و تحمل افراد جامعه راستود. اگر اهتمام مسئولین بر این امر باشد که ولی نعمت همه آنها مردم هستند و فلسفه وجود خدمتی آنها در گرو مقبولیت مردمی است جای بسی خوشحالی خواهد بود که هر چه سریع‌تر این فرهنگ عمومی، امید رفاه و آسایش جامعه اسلامی را فراهم نماید. گرچه تاکنون فعالیت‌های فراوانی صورت گرفته و خدمات زیادی انجام پذیرفته، اما کشورمان ایران اسلامی شایسته خدمات خیلی بیشتری است.

### خدمت‌رسانی چرا و چگونه؟

در جامعه‌ای که نهضت آن تحت رهبری امام خمینی (ره) و نایب برحقش مقام معظم رهبری زینت یافته و قوانین آن بر اساس احکام عالی دین مبین اسلام پایه‌ریزی شده و کلام شعاری آن بر مبنای استقلال و آزادی بنیاد نهاده و اعتقاد و باور فرهنگ مردمی آن بر اساس چهار اصل قرآن، سنت، عقل و اجماع علمای اسلام پایه‌ریزی گشته است، نظامی جوابگوی امنیت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی این نظام است که ضوابط و مقرراتش بر چهار پایه فوق‌الذکر استوار باشد. اساساً بهترین و مستمترترین نوع خدمت‌رسانی از انواع مختلف آن (خدماتی، اداری، تأمین اجتماعی، اقتصادی، آموزشی، ورزشی و بهداشتی و درمانی و...) خدمت‌رسانی به مردم آن جامعه اسلامی به طور عام می‌باشد. چرا که مرکز ثبات آن نظام در ظرف‌داری و حمایت مردمی است. مقام معظم رهبری می‌فرماید: کارکردن برای چنین نظامی خیلی حائز اهمیت و از نظر ارزش‌های انسانی و اسلامی، کار خیلی برجسته‌ای است. حالا هر کاری می‌خواهد باشد.

بنابراین در فرهنگ دینی و اعتقادی آن جامعه خدمت‌رسانی نه تنها مورد سفارش فراوان و پایه اصلی، یاد شده است. بلکه ملاک برتری انسان‌ها بر یکدیگر تلقی می‌شود. مقام معظم رهبری در پیام

نوروزی ۸۲ می‌فرمایند: در این نهضت باید کارهای عمیق، ماندگار و زودبازده که آثار آن بیشتر متوجه قشرهای مستضعف و محروم می‌شود، مورد توجه کامل قرار بگیرد.

پیامبر اکرم (ص) بهترین مردم را سودمندترین آنها به حال دیگران می‌داند و همچنین در برخی از روایات خدمت به مردم دومین خصلت پس از ایمان به خدا شمرده شده است و بالاتر از آن (خصلت نیکی به دیگران) وجود ندارد. رافت، محبت و تلاش به بهانه خدمت به خلق خدا عناصر اولیه جایگاه نهضت خدمتگزار است. چرا که ریشه امید کار جمعی و بسیج همگانی از همان صداقت و دلسوزی در تلاش به جهت رفع نیازهای مردم جامعه اسلامی نشأت می‌گیرد. اگر جامعه‌ای عاری از هر گونه خشونت و عصبانیت و ویژه اجتماعی فرهنگی می‌خواهیم، اگر نظامی عاری از هر گونه فساد حزبی و اداری می‌خواهیم، اگر امنیت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی می‌خواهیم، باید انگیزه‌های پویایی جامعه را برای همگان در مسیر بسیج نهضت خدمت‌رسانی صرفاً برای رفع نیازهای مردم آن جامعه و غنی‌سازی معنویت‌ها، تعمیم دهیم. مقام معظم رهبری در پیام نوروزی ۸۲ می‌فرمایند:

... رقابتی که در میان مردم مقبولیت و مشروعیت دارد، رقابت برای خدمت به مردم است و رقابت‌های سیاسی همراه با جنجال و دعوا و برای کسب قدرت پذیرفتنی نیست و ارزشی ندارد. در بسیاری از روایات و متون دینی نیز به ارزش ذاتی خدمت اشاره شده است و آن را مقید به زمان و مکان و حتی اشخاص خاصی نکرده است بلکه همگی خدمتگزاران جامعه باید شریک این نهضت باشند. چرا که از نظر اسلام خدمت به مردم و به تعبیر روایت "ناس" عملی مطلوب به شمار آمده است. امام موسی بن جعفر (ع) می‌فرمایند:

ان لله عبداً فی الارض یسعون فی حوائج الناس هم الامون یوم القیامه  
(خدا را در زمین بندگان است که در برآوردن نیازمندی‌های مردم تلاش می‌کنند. ایشان در قیامت در امنیت و امان قرار دارند). پیامبر اکرم (ص) نیز تأکید کرده‌اند که خدمت به مردم مراد است، چه نیکوکار باشد و چه گنهکار.

رأس العقل بعد الدین التودد الی الناس و اصطناع الخیر الی کل بر و فاجر

(پس از ایمان به خداوند، سرآمد تمام اعمال عاقلانه، بشر دوستی و نیکی به مردم است چه خوب و درستکار باشد یا فاسق و گنهکار). لذا بر پایه این دیدگاه پیامبر عظیم‌الشأن اسلام صرف خدمت به مردم مراد است که بر همین اساس، آموزه‌های عرف دیگر نیز توسط بزرگان آن عرف اینطور بنیاد نهاده شده است. نقل است که شیخ ابوالحسن خرقانی به سر در خانقاه خود نوشته بود: هر کس در این سرا درآید نانش دهید و از ایمانش مپرسید، چه آن که به درگاه باری تعالی به جان ارزد البته بر خوان بوالحسن به نان ارزد.

در مورد چگونگی خدمت باید گفت آموزه‌ها و اعتقاد ما بر این است که رفع نیاز مردم یک هدیه الهی است. همچنانکه از گفتار سالار شهیدان حضرت امام حسین (ع) نیز چنین برمی‌آید:

ان حوائج الناس الیکم من نعم الله فلا تملوا النعم.  
(نیازهای مردم که به سوی شما روی می‌آورند از نعمت‌های خداوند است برای شما، از روی آوردن مردم به خودتان دلتنگ نشوید). در این تعالی فکری این مطلب کاملاً مشهود است، که نگرش رفع نیازهای مردم باید توأم با رغبت و گشاده‌رویی باشد و از هر گونه آفات جانبی که متعاقباً ذکر می‌شود عاری باشد. از امام کاظم (ع) روایت شده است که آن حضرت فرمود: آنکه برادر دینی‌اش نیازی را به پیش او می‌برد آن نیاز رحمتی است الهی که خداوند به سوی او فرستاده است اگر نیاز را برآورد، به ولایت ما رسیده است و ولایت ما نیز به ولایت خداوند پیوسته و اگر آن نیاز را رد کرد به خود ستم کرده و بدی رسانده است. تعبیر روایت بدین گونه است که بی توجهی به نیازها و حوائج افراد جامعه نه تنها کم لطفی به افراد آن جامعه است بلکه ظلم به خویشان نیز محسوب می‌گردد.

از منظر دیگری که می‌توان به پویایی نهضت خدمت‌رسانی در جامعه کنونی رجوع کرد و به مسئولین توصیه نمود، محتویات کلامی گفتار امام علی (ع) است.

دیدگاه اجتماعی حضرت علی (ع) به نحوه خدمت در جامعه بدین گونه است که ایشان پایه هر خدمتی را به ایمان نسبت می‌دهند. لذا می‌فرمایند: ایمان بر چهار شاخه استوار است: صبر و شکیبایی، یقین، عدل و داد، جهاد. می‌فرمایند: اولین پایه ایمان صبر است که بر چهار شاخه استوار است. آرزو مند بودن (انتظار)، ترسیدن (زهد)، تقوا (پارسایی) و چشم‌امید داشتن (امید و آرزو). پس آنکه مشتاق بهشت بود شهوت‌ها را از دل زدود، و آنکه از دوزخ ترسید، از آنچه حرام است دوری گزید و آنکه ناخواهان دنیا بود مصیبت‌ها بر وی آسان

نمود، آنکه مرگ را چشم داشت در کارهای نیک پای گذاشت.

یقین نیز بر چهار شاخه استوار است؛ بینایی زیرکانه، دریافت عالمانه، پند گرفتن از گذشت زمان و رفتن به روش پیشینیان، پس آنکه زیرکانه دید حکمت بر وی آشکار گردید، آن را که حکمت آشکار گردید عبرت آموخت و آنکه عبرت آموخت چنان است که با پیشینیان زندگی را درنور دیده است.

**عدل** نیز بر چهار شاخه استوار است؛ بر فهمی ژرف نگرنده، دانشی پی به حقیقت برنده، در بردباری استوار بودن، نیکو داوری فرمودن. پس آنکه فهمید به ژرفای دانش رسید و آنکه به ژرفای دانش رسید از آبخور شریعت سیراب گردید و آنکه بردبار بود تقصیر نکرد و چنان است که میان مردم به نیکنامی زندگی کرد.

**جهاد** نیز بر چهار شاخه استوار است؛ به کار نیک و ارادار نمودن، از کار زشت منع فرمودن و پایداری در پیکار با دشمنان، دشمنی با فاسقان، پس آنکه به کار نیک واداشت پشت مؤمنان را استوار داشت و آنکه از کار زشت منع فرمود بینی منافقان را به خاک مالید، آنکه در پیکار با دشمنان پایدار بود حقی را که برگردن دارد ادا نمود و آنکه با فاسقان دشمن باشد و برای خدا به خشم آید، خدا به خاطر او خشم آورد و روز ستاخیز وی را خشنود نماید. مسلم است که تعبیر روایات و حتی آیات کریمه قرآن همیشه نفس خدمت رسانی به جامعه مسلمین منظور بوده و کارگزاران را به میل و رغبت به این نهضت هدایت کرده و از قصور و کوتاهی در این زمینه منع فرموده است. دیگر سخن آنکه هر عملی را نیز خدمت محسوب نمی کنند مگر آنکه کیفیت آن به نحوی باشد که نهایت سود رسانی را به جامعه مسلمین داشته باشد. حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) در صحیفه نور، جلد ۲۰، ص ۳۴۰ می فرماید: در حکومت اسلامی بهای بیشتر و فزون تر از آن کسی است که تقوا داشته باشد، نه ثروت و مال و قدرت، و همه مدیران و کارگزاران و رهبران و روحانیون نظام حکومت عدل، موظفند که با فقرا و مستمندان و پابرنه ها بیشتر حشر و نشر و جلسه و مراد و معارفه و رفاقت داشته باشند. لذا لازم است عناصر کلیدی را در کلیه تصمیمات برنامه سازی که فرهنگ عمومی خدمت رسانی را پویا و متحول می سازد مورد توجه قرار دهیم:

#### ۱. پرهیز از وعده های ناروا

امام جواد (ع) می فرماید: اظهار الشیء قبل ان يستحکم مفسده (اظهار چیزی قبل از قطعی و مستحکم شدنش فساد آور است) امام علی (ع)

می فرماید: پرهیز از اینکه مردم را وعده ای دهی و در وعده خلاف آری، زیرا خلاف وعده خشم خدا و مردم را برانگیزاند و پرهیز از شتاب در کارهایی که هنگام انجام آن نرسیده است. مقام معظم رهبری در پیام نوروزی ۸۲ می فرماید: ... قوای سه گانه و همه دستگاه ها باید در سال جدید با آغاز کردن نهضت خدمت به مردم و پیگیری جدی مبارزه با "بیکاری و فساد مالی" کارآمدی نظام را به طور ملموس و عینی به مردم نشان دهند، به گونه ای که شیرینی آن در کام مردم بنشیند.

آنچه لازم است به آن اشاره کنم این است که اعتماد مردمی بسیار دیر حاصل می شود، ولی خیلی زود می توان آن را از بین برد، نباید برای توجیه مسئولیت ها و پاسخ گویی های گذرا به گفته های غیر متعهدانه روی آورد با وعده های بی بنیان و سست مردم را طبقه بندی و شقه شقه کرد. نکته ای قابل تأمل این است که سعی همگی بر ابتکار عمل در میانه روی و اعتدال همگانی در جامعه اسلامی باشد.

#### ۲. اعمال فرآیند تشویق و تنبیه واقعی

یکی از دردهای نیروهای کارآمد صاحب دغدغه در تمام دستگاه ها و سازمان ها نگرانی آنها از این روند است که بین خادم و غیر خادم تفاوت وجود ندارد، فقر و تنهایی نیروهای دلسوز و صادق و متعهد خیلی بیشتر از نیروهای چاپلوس، سطحی نگر و روزمره است. هنوز فرآیند تشویق و تنبیه به آن مرحله از کارایی نرسیده است که انگیزش ها را دچار تحول کند. سیر چرخش پست های مدیریتی با انسان های لایق، کارآمد و جوان و دلسوز که پشتوانه حمایت مدیران را ندارند بسیار ضعیف است. فقط آنهایی در گردونه این چرخش قرار می گیرند که ارتباط نزدیکی با مسئولین رده بالا دارند.

از بودرجمهر پرسیدند چرا دولت ساسانیان به زوال کشیده شد، گفت: انهم استعانوا باصاغر العمال علی اکابر الاعمال (یعنی آنها کارهای بزرگ را به کارگزاران کوچک واگذارند) وقتی که می بینیم در سال های اخیر مقام معظم رهبری به طور مدام بر شایسته سالاری تأکید دارند برگرفته از توجه و اهتمام ایشان به همین مقوله است که لازم است به کلیه کارگزاران توصیه شود که نباید در اینگونه موارد مورد غفلت و روزمرگی قرار گیرند. امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: مبدا نیکوکار و بدکار در دیده ات برابر آید که آن، رغبت نیکوکار در نیکی را کم کند و بدکار

را به بدی وادار نماید.

#### چگونگی فرهنگ شایسته سالاری بر اساس خدمت:

بازسازی مراکز خدمت رسانی و مدیریت کشور در گرو پاکسازی آنها از عوامل ناسالم، ناکارا و ناشایست است، که عامل مهمی در ایجاد زمینه خدمتگزاری دولت به مردم به شمار می آید و این مسأله تحقق نمی یابد مگر با احیاء سیستم های نظارتی که نحوه عملکردهای کارگزاران را بررسی و به مردم معرفی نماید. حضرت علی (ع) توصیه می کنند که باید از کسانی در نظام و حکومت بهره برد که تخصص و تعهدشان محرز و مسلم باشد و توجیه استفاده از بدکاران را نمی پذیرد و می فرماید:

تو جانشینی بهتر از ایشان (بدکاران) خواهی یافت که در رأی و گذاردن کار چون آنان باشد ولی گناهان و کردار بد آنان را بر عهده ندارند، آنکه ستمکاری را در ستم، یار نبوده و گناهکاری را در گناهش مددکار؛ بدان! بار اینان بر تو سبک تر است و یاری ایشان بهتر و مهربانی شان بیشتر و دوستی شان با جز تو کمتر، پس اینان را خاص خلوت خود گیر و در مجلس های خود بپذیر.

همچنین است که بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) می فرماید: وظیفه ما و همه دست اندکاران است که به این مردم خدمت کنیم و در غم و شادی آنان شریک باشیم که گمان نمی کنم عبادتی بالاتر از خدمت به محرومین وجود داشته باشد.

آری امید است که با بهره گیری از فرامین حضرت علی (ع) و سایر ائمه (علیهم السلام) و بزرگان دین و رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) و نایب برحقش مقام معظم رهبری (دامت افاضاته) در سال خدمت رسانی شاهد خدمات بی شائبه و صادقانه مسئولان باشیم.

#### نتیجه گیری:

آنچه در این مقاله به قلم نگارش درآمده، نگرشی گذرا است بر چگونگی خدمت رسانی مسئولین به مردم یک جامعه اسلامی و نحوه عملکرد آنان توأم با داشتن ایمان و مراتب آن و توصیه های برگرفته از ائمه اطهار (علیهم السلام) و بزرگان دین و امام (ره) و مقام معظم رهبری که نهاد فرهنگی خدمت رسانی به طور مستمر و با جدیت دنبال گردد.



## دریچه

### فرآیند نظارت و بازرسی (بخش پنجم)

#### نظارت و بازرسی در اسلام (قسمت دوم)

اشاره:

در شماره قبل مباحثی در خصوص نظارت و بازرسی در اسلام از دیدگاه قرآن کریم و نهج البلاغه درج گردید. در این شماره نیز ادامه مطالب پیرامون مراتب نظارت در اسلام، نظارت و بازرسی از نظر روایات اسلامی و سیره عملی معصومین مورد بررسی قرار خواهد گرفت. امید آنکه مورد استفاده و رضایت شما گرامیان قرار گیرد.

#### مراتب نظارت در اسلام

از دیدگاه اسلام، زندگی انسان به حیات دنیوی محدود نمی شود و حیات پس از مرگ، به عنوان تجلی زندگی حقیقی، به گونه‌ای پذیرفته شده است که در آن، انسان نتیجه رفتار و حرکت خود را خواهد دید؛ نتیجه‌ای که در مسیرهای دوگانه "صلاح" و "فساد" از پیش، خداوند در رابطه با آنها وعده و وعید داده بود. بر همین اساس نظارت به عنوان ابزار سنجش خطا و صواب به شکل‌های گوناگون (محسوس و غیر محسوس) اعمال می گردد.

نظارت‌های غیر محسوس از جانب پروردگار اعمال می گردد و نظارت‌های محسوس نیز با مجموعه قوانینی اعمال می شود که چارچوب حرکت انسان را در حریم‌های گوناگون تبیین می کند.

نظارت و بازرسی در اسلام، ویژگی‌ها و مشخصه‌های ممتاز خود را دارد که از جمله آنها شیوه‌ها و مراحل گوناگون نظارت و بازرسی است. در این جا فقط به ذکر عناوین آن می پردازیم.

مرتب اول: نظارت مطلق از آن خداست که هم شاهد است و هم حاکم:

"اتقوا معاصی الله فی الخلووات فان الشاهد هو الحاکم" (۱)

مرتب دوم: نظارت فرشتگان است که به ثبت و ضبط تمام اعمال انسان می پردازند:

"ما یلفظ من قول الا لدیه رقیب عتید" (۲)

هیچ سخنی نگویید مگر آن که نزد آن نگهبانی آماده است.

مرتب سوم: نظارت انبیاء است که از لوازم اعمال ولایت ایشان بر مؤمنین است:

"النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم" (۳)

همانگونه که نظارت از لوازم ولایت نبی بر مؤمنین است، نظارت

اولی الامر نیز به دنبال نظارت رسول قطعی است:

"اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم" (۴)

مرتب چهارم: نظارت برخی مؤمنین بر برخی دیگر است که ظهور آن با امر به معروف و نهی از منکر میسر می گردد:

"و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر" (۵)

مرتب پنجم: نظارت نفس انسان بر خود است:

"و لا اقسام بالنفس اللوآمه... بل الانسان علی نفسه بصیره و لو القی معاذیره" (۶)

بلکه انسان بر نیک و بد خویش به خوبی آگاه است؛ هر چند عذر بر خود بیفکند. (عذر تراشی کند)

اما از ویژگی‌های عام نظارت و بازرسی تکیه بر دو عنصر تشویق و تنبیه است. در این زمینه نیز قوانین اسلام ویژگی ممتازی دارد و آن این است که در اسلام برای انجام وظیفه، تشویق و تنبیه است. اما در سایر قوانین، وظیفه به عنوان حق ثابت بر گردن فرد است، تشویق در برابر کاری فراتر از وظیفه و تنبیه برای کاری فراتر از وظیفه یا عدم انجام وظیفه تدارک دیده شده است.

بدیهی است که در آمیختن مراتب گوناگون نظارت، از مرتبه ربوبیت تا نفس انسان، و نیز پاداش در برابر انجام وظیفه و مجازات در برابر عدم ایفای وظایف، همه و همه برای جلوگیری از بروز خطا در فرد و حفظ امنیت و آرامش جامعه برای گذر انسان از مسیر این زندگی و رسیدن به کمال مطلوب است که هر کس مطابق اعمال خود، شایستگی وصول به آن "کمالات" را می یابد.

#### نظارت و بازرسی در اسلام از منظر روایات اسلامی

علاوه بر آیات قرآن، روایاتی هم از پیامبر اسلام و ائمه اطهار (علیهم السلام) رسیده که گویای امر نظارت بر اعمال و کردار افراد جامعه است؛ از جمله آنکه پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) این مسئله مهم را در مثالی ساده و قابل فهم چنین می فرماید: "یک فرد خلافکار (شخصی که حقوق دیگران را رعایت نمی کند) در میان مردم، مانند کسی است که با جمعی سوار یک کشتی شود، پس وقتی کشتی به وسط دریا می رسد، تبری برداشته و به سوراخ کردن موضع خود که در آن نشسته پیردازد و اگر به او اعتراض کنند (که چرا چنین می کنی) در جواب بگوید من در سهم خود تصرف می کنم. اگر دیگران او را از این عمل خطرناک منع نکنند، طولی نمی کشد که آب دریا به داخل کشتی نفوذ کرده و یکباره همگی را غرق می کند." (۷)

پیامبر اسلام (ص) با این مثال حق نظارت و بازرسی را که یک حق طبیعی و ناشی از پیوند انسان هاست و سرنوشت افراد جامعه را مشخص می کند، بیان فرموده اند.

پیامبر (ص) مأموران و بازرسانی را برای جمع آوری اطلاعات گمارده بودند که از آنها به عنوان "عیون" تعبیر می شد تا اطلاعاتی را که در داخل باسرنوشت جامعه اسلامی ارتباط داشت، برای او گردآوری کنند.

در روایتی آمده که ریّان بن صلت از امام رضا (علیه السلام) نقل می کند: "کان رسول الله (صلی الله علیه و آله) اذا بعث جیشاً فأمهم امیر بعث معه من ثقاته من یتجسس له خبره؛ هرگاه رسول الله لشگری را به جایی اعزام می فرمود، امیر لشگری بر آن می گمارد و بعضی از افراد مورد اعتماد خود را نیز همراه لشگر می فرستاد تا چگونگی کار امیر لشگر را زیر نظر داشته و اخبارش را برای آن حضرت بیاورند.

از سوی دیگر در روایات بسیار زیادی لفظ "بلغنی" به معنای "به من خبر

بقیه در صفحه ۱۶



حجاب حسی لطیف آن است که ماورای آن دیده می شود و کثیف آن است که چشم به ماورای آن نفوذ نمی کند و به عبارت دیگر حجاب یا نور محمدی است یا نور ابوجهلی.

شده است.

حجاب های ظلمانی مصداق الظلم (ظلمات یوم القیامه) بوده که همان طور که کثرت حجاب از وحدت است و عوالم ظلمانی حجاب از عالم نور و قدس است این حجاب ها نیز انسان را محدود به مادیات و محسوسات نموده و از توجه به ملکوت عالم غافل می سازند. به عبارت دیگر حجاب یا حسی است یا معنوی و حجاب حسی به لطیف و کثیف تقسیم می شود. حجاب حسی لطیف آن است که ماورای آن دیده می شود و کثیف آن است که چشم به ماورای آن نفوذ نمی کند و به عبارت دیگر حجاب یا نور محمدی است یا نور ابوجهلی؛ نور محمدی حجاب لطیف و جمیل و غیر مادی است و نور ابوجهلی حجاب کثیف و زشت و مادی است. در اینجا برخی از حجاب های ظلمانی بر اساس کلمات حضرت امام خمینی توضیح داده می شود.

#### ۱- حجاب علم

شاید کسی تصور کند که حجاب بودن علم به جهت آن است که حائل و فاصله بین عالم و معلوم می باشد؛ پس وقتی بین علم و عشق مقایسه شود روشن می گردد که در عشق هیچ حجابی نبوده و اتصال و پیوند عاشق و معشوق، بلکه فنا و ذوب شدن عاشق در معشوق است، لذا مانع و پرده ای وجود ندارد، به خلاف عالم که همیشه با عینک علم نظر می کند. البته علم عینک شفاف و لطیف بوده و به عبارت دیگر باید علم را جزء حجاب های نورانی دانست.

اما صحیح آن است که علم و استدلال و برهان حجاب های ظلمانی هستند، امام خمینی (ره) می فرماید: "کثرت اشتغال به علوم برهانی سبب ظلمت و کدورت قلب است". (۳) و در جای دیگر فرموده: "دلیل، خود پرده است و تا پرده هست فاصله هست و تا فاصله هست وصل حاصل نمی شود". (۴) کسی که در علوم دینی صرفاً مقدراتی اصطلاحات و مفاهیم را فرا گرفته و تصور می کند که بر اثر دانستن این اصطلاحات به مقام و درجه ای رسیده و خود را برتر از مردم می داند، علم او حجاب ظلمانی بوده و مانع از رسیدن به خدای متعال می باشد. حقیقتاً تفاوتی بین آنکه چند اصطلاح "مقدمه واجب" و "اجتماع امر و نهی" و "اصالة الوجود" و "اعیان ثابتة" فرا گرفته و بین آنکه چند اصطلاح در زمین شناسی یا هواشناسی یا نجاری و آهنگری می داند، وجود ندارد و نباید یکی را بر دیگری ترجیح داد.

علمی ارزش است که علم دینی باشد، اما نباید فریب خورد و نام یک علم را علم دینی قرار داده و آن را مستمسک نموده، بلکه علم دینی آن است که اولاً هر چه انسان آن را بیشتر فرامی گیرد، زهد بیشتر در دنیا پیدا می کند، و ثانیاً آن گونه که قرآن خبر داده است: "انما یخشی الله من عباده العلماء"؛ علما از خداوند ترس دارند، و چون کلمه "العلماء" جمع با الف و لام است مفید استغراق بوده و معنایش این است که تمامی علما از خداوند می ترسند؛ پس اگر کسی در یک علمی، هر علمی که قابل تصور باشد،



### حجاب های نورانی و ظلمانی از دیدگاه امام خمینی (ره) (بخش دوم)

#### اقسام و انواع حجاب ها

ماده، حجاب از مجرد است و شهادت، حجاب بر غیب؛ آن چنان که بسط، حجاب از قبض است و قبض بر بسط؛ هوشیاری، حجاب مستی است و مستی، حجاب هوشیاری؛ صحو، حجاب محق است و محق، حجاب صحو؛ روز، حجاب شب است و شب، حجاب روز؛ جود، حجاب بخل است و بخل، حجاب جود؛ خلوت، حجاب جلوت است و جلوت، حجاب خلوت، (پس) هر کس با خلوت انس گیرد، جلوت را از دست می دهد و هر کس جلوت را به دست گیرد، خلوت را از دست می دهد و شاید یک معنای "من مات فقد قامت قیامته" این باشد که هر کس از جلوت بمیرد، خلوت او آشکار می گردد.

در روایات، انواع بسیار زیادی برای حجاب ها ذکر شده است مثل "حجاب های نورانی"، "حجاب های ظلمانی"، "حجاب عزت"، "حجاب عظمت"، "حجاب رعب"، "حجاب ملکوت"، "حجاب آب"، "حجاب آتش"، "حجاب کبریا"، "حجاب جلال"، "حجاب شفاعت"، "حجاب قدرت"، "حجاب قدس"، "حجاب حیرت"، "حجاب غیب"، "حجاب سریانی، هندی، رومی، عبری، عجمی، عربی"، "حجاب اعظم" و "حجاب اعلی"؛ در کتاب های عرفانی نیز از "حجب کیانیه"، "حجاب عزت" که مخصوص زنان است و "حجب عنایت" و شفقت بر خلق بحث شده و بین حجاب خداوند از خلق با حجاب خلق از خداوند تفاوت گذارده شده است. (۱)

ولی چون این اصطلاحات در کلمات حضرت امام خمینی (ره) کمتر به کار رفته، ما نیز تنها به شرح و تفسیر حجاب های نورانی و ظلمانی که فراوان مورد تأکید ایشان بوده است می پردازیم.

#### حجاب های ظلمانی

در حدیث معروفی آمده است که: "ان الله سبعین الف حجاب من نور و ظلمة" (۲)

؛ خدای متعال هفتاد هزار حجاب از نور و ظلمت دارد.

به مقتضای این حدیث شریف عرفای بزرگ به بحث از حجاب های نورانی و ظلمانی پرداخته تا پس از معرفی و شناخت این حجاب ها، به خرق و کنار زدن آنها اقدام نمایند.

چون کلمه هزار از نظر عرفا کنایه از (مفهوم) کلی است، گویا که هر کلی، هزار مصداق جزئی دارد و یک روز کلی نزد خداوند، هزار سال جزئی دنیوی نزد ما است؛ بنا بر این اگر هفتاد حجاب نورانی و ظلمانی به عنوان حجاب های کلی ذکر شود، در واقع مصداق حدیث مذکور بیان

**اگر کسی در یک علمی، هر علمی که قابل تصور باشد، رشد نمود اما از خداوند ترسی نداشت، او در اصطلاح قرآن عالم نیست. چنین کسی نه تنها عالم نیست و به خداوند نزدیک نشده است، بلکه واقعاً علم او ظلمات بوده و سبب دوری از خداوند می‌گردد.**

رشد نمود اما از خداوند ترسی نداشت، او در اصطلاح قرآن عالم نیست. چنین کسی نه تنها عالم نیست و به خداوند نزدیک نشده است، بلکه واقعاً علم او ظلمات بوده و سبب دوری از خداوند می‌گردد.

آری کسی که علم را به جمع کردن اقوال و کتب و نقد سخنان علمای بزرگ و در نتیجه اتلاف عمر در قیل و قال و جمع اصطلاحات و فخر فروشی بر دیگران می‌داند، او در واقع در حجاب غلیظ و ظلمانی علم و اصطلاحات و مفاهیم قرار گرفته است. این گونه کلمات در آثار حضرت امام (ره) فراوان است. (۵)

ضمناً هدف این سخنان آن نیست که علم و دانش کلاً ترک شده و کنار نهاده شود، بلکه مقصود این است که تکیه و اعتماد بر این علوم صحیح نیست، (۶) و بلکه بدون ورود در حجاب، خرق آن ممکن نیست. و به گفته حافظ:

تکیه بر تقوی و دانش در طریقت کافری است

راهرو گر صد هنر دارد، توکل بایش  
غزالی فرموده: اگر شنیدی که علم حجاب است، آن را انکار مکن؛ زیرا کسی که راه جلد را می‌پیماید علم او حجاب است. همچنین است کسی که علم باعث دل مشغولی او گردد و به خیالات و محسوسات روی می‌آورد، اما کسی که از این پندار بیرون آید، علم حجاب وی نباشد. (۷) باز امام خمینی (ره) می‌فرماید: "هر چه این مفاهیم، در قلب سیاه و غیر مهذب، انباشته گردد حجاب زیادتر می‌شود؛ در نفسی که مهذب نشده، علم، حجاب ظلمانی است؛ "العلم هو الحجاب الاکبر". لذا شرعاً فاسد برای اسلام از همه شرور خطرناک‌تر و بیشتر است. علم، نور است ولی در دل سیاه و قلب فاسد، دامنه ظلمت و سیاهی را گسترده‌تر می‌سازد. علمی که انسان را به خدا نزدیک می‌کند، در نفس دنیا طلب، باعث دوری بیشتر از درگاه [حضرت] ذی‌الجلال می‌گردد. علم توحید هم اگر برای غیر خدا باشد از حجب ظلمانی است، چون اشتغال بما سوی الله است. اگر کسی قرآن کریم را با چهارده قرائت لما سوی الله بخواند، جز حجاب و دوری از حق تعالی چیزی عاید او نمی‌شود... (۸) به هر حال درس خواندن لازم است ولی تحصیل این علوم مقدمه برای تهذیب نفس و تخلق به اخلاق کریمه است؛ اما متأسفانه برخی افراد تا آخر عمر در مقدمه مانده و ذی‌المقدمه را فراموش کرده‌اند.

منابع:

۱. الفتوحات المکیه، باب ۳۵۰، ج ۵، ص ۳۱۲.
۲. بحارالانوار، ج ۵۵، ص ۴۵.
۳. چهل حدیث، ص ۵۴۴.
۴. تقریرات فلسفه امام خمینی، ج ۱، ص ۳۵۴.
۵. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۳۹، ج ۱، ص ۶.
۶. چهل حدیث، ص ۵۴۴.
۷. کیمیای سعادت، ج ۱، ص ۳۷.
۸. جهاد اکبر، ص ۲۱۲.

بقیه از صفحه ۱۴

رسید" وجود دارد و بر نظارت، خبرگیری و بازرسی از رفتار کارگزاران دلالت می‌کند. نامه امام علی (علیه‌السلام) به عثمان بن حنیف، ابن عباس، مصقله بن هبیره، ابوموسی اشعری، محمد بن ابی‌بکر و دیگران از جمله شواهد نظارت حضرت بر رفتار کارمندان حکومتی است.

در نامه‌ای که به زیاد، جانشین ابن عباس، به بصره می‌نویسد "و ائی اقسام بالله صادقاً لئن بلغنی انک خنت من فیء المسلمین شیئاً صغیراً او کبیراً لاشدن علیک؛ یعنی به خدا قسم اگر مرا خبر رسد که تو در مال مسلمانان به اندازه ذره‌ای خیانت کرده‌ای، سخت مؤاخذه‌ات خواهم کرد.

در سیره عملی معصومین (علیهم‌السلام) که از متقن‌ترین مبانی نظارت و بازرسی در اسلام است، نیز چنین آمده است:

الف. نقل است که پیامبر مکرّم اسلام (ص) در نماز جماعت، صفوف نمازگزاران را بازرسی می‌فرمود و به ایشان دستور می‌داد که بین صفوف نماز فاصله نیندازند، شانه‌ها را کنار هم قرار دهند تا شیطان بین آنها رخنه نکند، دل‌هایشان از هم پراکنده نشود.

ب. نظارت و بازرسی‌های نظامی هرگز نادیده گرفته نشده است. پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) خود نظم و انضباط و صف آرایی لشکر را بازرسی می‌فرمودند و در موارد لازم دستوراتی صادر می‌کردند.

حضرت علی (ع) لشگری را که قصد داشت به صفین اعزام کند، ملاحظه کرد و دستور داد زره پوشان و سواره نظام در جلو و پیاده نظام در پشت سر حرکت کنند: "فقدّموا الدّارع و اخرّوا الحاسر... (۸)

ج. وقتی که مواد غذایی در بازار کمیاب شده بود، به پیامبر (ص) خبر رسید که شخصی، قدری طعام نزد خود نگهداشته است، آن حضرت به او امر فرمود که مواد غذایی را از انبار خارج کند و بفروشد. (۹)

د. از عهدنامه مالک اشتر (که در واقع خود نمایشی از سیره حکومتی علویان نیز هست، که بگذریم) موارد مشخص دیگری وجود داشت که امام (ع) شخصاً، کار نظارت و بازرسی بازرگانان و فروشندگان را عهده‌دار بودند.

هـ. امیرمؤمنان (ع) در حالی که تازه‌یانه در دست داشت در بازار به راه می‌افتاد و هر فرد کم‌فروش یا متقلبی را که می‌دید او را با آن تازه‌یانه می‌زد... بازارها را یکی یکی می‌گشت، آن‌گاه به بازار خرمافروشان که می‌رسید؛ می‌فرمود جنس نامرغوب و خرابان را از جنس مرغوب مشخص و جدا کنید. (۱۰)

نتیجه‌گیری

ادله و براهین محکمی در آیات قرآن، گفتار و سیره ائمه اطهار و پیامبران الهی (علیهم‌السلام) در دسترس است مبنی بر این که در اسلام بر نظارت و بازرسی تأکید فراوانی شده و چه بسا اگر در جوامع انسانی از این مهم غفلت شود، آثار جبران‌ناپذیری را (همچون عدم تحقق عدالت اجتماعی، بروز مفاسد اقتصادی، عدم امکان شناسایی خدمتگزاران واقعی، عدم روحیه اعتماد به حکومت و جایگزین شدن ارزش‌های غلط در جامعه و نهایتاً عدم پیشرفت و توسعه حکومت اسلامی در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی) بهمراه خواهد داشت.

تهیه و تنظیم: معاونت نظارت و بازرسی  
دفتر ارزشیابی و رسیدگی به شکایات

منابع:

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۱۶.
۲. سوره ق، آیه ۱۸.
۳. سوره احزاب، آیه ۶.
۴. سوره آل عمران، آیه ۳۲.
۵. سوره توبه، آیه ۷۱.
۶. سوره قیامت، آیه ۲ و ۱۴.
۷. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۸.
۸. بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۵۶۳.
۹. الحیاه، ج ۲، ص ۴۵۰.
۱۰. الحیاه، ج ۶، ص ۱۹۰.

اسبورن" برای آنکه سوالات به خاطر بماند از ابتدای آنها واژه (۲) SCAMPER (فرار کردن) را ساخته است.

در ترجمه فارسی این عبارات نیز اگر این هفت سؤال را به ترتیب زیر بنویسیم، با اتصال حروف ابتدای آنها، عبارت "محک تجربه" ساخته می شود:

معکوس ساختن، حذف کردن، کاربردهای دیگر، تغییر، جانشین کردن، رفاه و سازگاری، به هم پیوستن و ترکیب. (۳)

#### ۱۶- مدل شش کلاه

"ادوارد دوبونو" علاوه بر اینکه بر اکتسابی بودن خلاقیت تأکید می کند، با ارائه "مدل شش کلاه" (۴) شرایط موفقیت شرکت های پیشرو را فراهم می نماید. این مدل افراد را قادر می سازد تا از روند معمول تفکر خود دور شوند. شرکت هایی چون "ناسا" و "زیمنس" و غیره دریافتند که نظریه "دوبونو" به مفهوم "به کار گرفتن خلاقیت، ارزاترین راه برای استفاده بهتر از دارائی های موجود" سخنی بیش از یک لاف زدن توخالی یا مقوله ای در حد فروش یک مشاوره می باشد. (۵)

#### ۱۷ - یادداشت برداری

استفاده از دفترچه یادداشت در ثبت اندیشه هایی که به ذهن می رسد، کار معمول دانش پژوهان است. برای این منظور، می توان از برگه های یادداشت ۲x۸ سانتیمتری (فیش) و مانند آن استفاده کرد.

شاید زودگذرترین چیز در جهان یک فکر باشد که در عرض چند لحظه به ذهن می آید و می رود. نباید انتظار داشت که بتوان به یاری حافظه، فکری را به ذهن بازگرداند و به دقت و به طور دلخواه آن را مورد بررسی قرار داد؛ زیرا آنچه که اکنون کاملاً واضح و آشکار به ذهن خطور می کند، ممکن است فردا به طور کامل محو شود.

از این رو بهتر است، هنگامی که فکرها یا بخش هایی از یک فکر به ذهن می رسد، نوشته شود. در روایتی نیز بر این نکته تأکید شده است: "ما کُتِبَ قَرٌّ و ما حُفِظَ قَرٌّ؛ آنچه مکتوب شود، باقی و آنچه به خاطر سپرده شود فرار است. بررسی های بعمل آمده نیز نشان داده است که:

"حدود ۲۵ درصد از اطلاعاتی که فرد می خواند یا می شنود و برایش ارزش متوسطی دارد، در طول ۲۴ ساعت اول، ۸۵ درصد آن در عرض یک هفته فراموش می شود."

اگر یک فکر به هنگام بروز، استفاده خاصی نداشته باشد می توان آن را در پرونده "فکرهای نو" برای مراجعه در آینده ثبت کرد.



## علمی

### خلاقیت؛ گفته ها و ناگفته ها (قسمت هشتم)

#### ۱۴. الگوبرداری از طبیعت

یکی از تکنیک های خلاقیت و نوآوری که در ابداعات فنی کاربرد گسترده و موفق یافته، تکنیک تقلید و الگوبرداری از طبیعت است. ابداعاتی که در زمینه علم ارتباطات و کنترل در دهه های اخیر شکل گرفته، برنامه ریزی های مربوط به رایانه و هوش مصنوعی، همه با الگوبرداری و تقلید از فعالیت های مغز آدمی انجام شده است و روند فعالیت ها به گونه ای است که در آینده با تداوم آن، فنون و ابزارهای بدیع و جدیدی ساخته خواهد شد. کار ابداع و نوآوری با توجه به رفتارهای جانوران نیز متداول و معمول است و بسیاری از روش های مبارزه با آفات با الهام از نحوه رفتار حشرات ابداع شده است و دانشمندان بسیاری از واکنش های طبیعی گیاهان و نحوه رشد و نمو آنها به ایده های جدید دست یافته اند. اندیشمندی در این زمینه عقیده دارد که ذهن با قدرت انتخابگرش جریان های طبیعت را در قالب قوانینی می ریزد و می نگرد که عمدتاً موافق با انگاره انتخاب خود اوست و می توان گفت ذهن در کشف این نظام قوانین، همان چیزی را از طبیعت باز پس می گیرد که در طبیعت نهاده یا به طبیعت نسبت داده است. (۱) بدین ترتیب باز این فهم خلاق آدمی است که عرصه های جدیدی را پیش روی خود می گشاید و ابداعات و اختراعات تازه ای به بشر ارزانی می دارد.

#### ۱۵- سوالات ایده برانگیز

در این روش سوالات می توانند در زمینه امکان جایگزینی، امکان افزایش یا کاهش، امکان تغییر، امکان ترکیب، امکان تعویض، امکان شبیه سازی و امکان کاربردهای دیگر باشند. در این روش، زمینه های مشابه مطرح شده، فرد را به سوی اندیشه های نو سوق می دهد. "الکس

مهم این است که بهترین زمان باروری ذهنی را تشخیص

دهیم و این زمان را برای اندیشیدن خلاق انتخاب کنیم،

مکان نیز در روند خلاقیت مؤثر است؛ لذا معمولاً تعیین

مکان های خاص، برای تأمل بهتر است؛ بنابراین باید

بهترین زمان و مکان را انتخاب کرد.

## ۱۸ - انتخاب زمان و مکان

انتخاب یک مقطع خاص زمانی از شبانه روز برای فکر کردن که در آن ذهن آدمی قادر باشد تا حداکثر فعالیت خلاقانه خود را آشکار نماید، برای افراد مختلف، متفاوت است. برخی صبح زود را بارورتر از دیگر اوقات می‌یابند و بعضی آخر شب بازدهی ذهنی بیشتری دارند. مهم این است که بهترین زمان باروری ذهنی را تشخیص دهیم و این زمان را برای اندیشیدن خلاق انتخاب کنیم، مکان نیز در روند خلاقیت مؤثر است؛ لذا معمولاً تعیین مکان‌های خاص، برای تأمل بهتر است؛ بنابراین باید بهترین زمان و مکان را انتخاب کرد.

## ۱۹ - به کارگیری حس کنجکاوی و توان پرسیدن

همواره در برابر سؤال‌هایی از قبیل "چرا" و "چگونه"، چیزهایی مطرح می‌شود یا به ذهن می‌رسد که در تقویت تفکر خلاق آدمی مؤثر است؛ مانند:

چرا این کار از این طریق انجام شده است؟

آیا این کار واقعاً لازم و ضروری بود؟

مادر این روش امور واضح را مورد پرسش قرار می‌دهیم، لذا بدیهی است که تهیه فهرستی از پرسش‌های ویژه عملیاتی برای زیر سؤال بردن جنبه‌های واضح یک مسأله، می‌تواند مفید باشد.

## ۲۰ - استفاده از روابط میان افکار

غالب افکار بشری با یکدیگر ارتباط دارند و بافت به هم پیوسته‌ای را تشکیل می‌دهند؛ به همین دلیل قدرت تداومی در ایجاد و ظهور یک فکر جدید بسیار کارساز و مؤثر است. مدیری که میل دارد فردی خلاق باشد، می‌تواند با توجه به واقعیت‌های شناخته شده و مسلّم، کار خود را آغاز کند و گام به گام بر اساس آنها پایه تفکر جدید را بنا نهد؛ این امر، با بهره‌گیری از شباهت‌های موجود و روابط میان رخدادها، می‌تواند ظهور مفهوم جدیدی را موجب گردد که خود نشانه فکر جدیدی است.

قرن‌ها پیش ارسطو، رابطه میان افکار را مورد توجه قرار داد و پیشنهاد کرد که: "کاروان اندیشه خود را با فکری مشابه، متضاد، یا نزدیک به آن (با هر فکر مرتبط دیگری) یا تنظیم و ترکیب جدید افکار قبلی به حرکت درآورید و فکر بعدی را در آن ردیف شکار کنید".

## ۲۱ - تغییر شکل وضع موجود

افکار جدید غالباً از تحلیل و ترکیب و تنظیم دوباره و نوین افکار قبلی حاصل می‌شود. نقطه آغاز یک فکر ممکن است با تغییر شکل وضع موجود به دست آید.

راه‌های گوناگونی که از طریق آنها می‌توان این سررشته را به دست آورد به شرح ذیل است:

### الف) ترتیب مجدد

دوباره نظم دادن و مرتب کردن می‌تواند از داخل به خارج، از عقب به جلو یا وارونه صورت پذیرد؛ برای مثال: در تنظیم صف افراد، به جای استفاده از روش تنظیم "بلند قد به کوتاه قد" می‌توان از "کوتاه قد به بلند قد" استفاده کرد.

### ب) جایگزینی

اگر فرایند دیگری با شکل جدیدی صورت پذیرد و با توالی متفاوتی

شاید زودگذرترین چیز در جهان یک فکر باشد که در عرض چند لحظه به ذهن می‌آید و می‌رود. نباید انتظار داشت که بتوان به یاری حافظه، فکری را به ذهن بازگرداند و به دقت و به طور دلخواه آن را مورد بررسی قرار داد.

تنظیم شود، چه پیش خواهد آمد؟ برای مثال: به جای کارکنان مرد از کارکنان زن استفاده شود.

فلز جدیدی به جای فلز قدیمی در ساخت یک کالا به کار رود.

در وصل کردن دو قطعه چوب از چسب به جای میخ استفاده شود.

### ج) افزودن و کاستن

می‌توان در یک سازمان، تصمیم‌گیری‌های مرکزی در باره واحدها را در سطح شعبات نیز گسترش داد، یا بحث‌ها و تصمیم‌گیری‌های مقداری را تغییر داد، سیری نزولی را بر آن جاری ساخت؛ برای مثال: برنامه کارآموزی مرکز در شعبات نیز عیناً مورد استفاده قرار گیرد.

تعداد کالاها در هر بسته افزایش یا کاهش یابد.

در ساخت محصول، ارتفاع آن افزوده یا کاسته شود.

میز تحریر با ابعاد بزرگ‌تر یا کوچک‌تر ساخته و به بازار عرضه شود.

### د) تغییر جهت

ترتیبات جاری و معمول، برعکس انجام شود؛ برای مثال:

مدیریت عالی سازمان، از کارکنان بخواد تا مافوق‌های خود را از لحاظ توانایی امتیازدهی کنند.

### ۲۲ - فهرست ویژگی‌ها

در این روش ویژگی‌ها یا قسمت‌های مختلف یک مفهوم یا شیء فهرست می‌شود. این فهرست می‌تواند شامل رنگ، اندازه، قیمت و ... برای یک کالا باشد؛ برای مثال:

ابتدا باید ویژگی‌های اجزای یک میز تحریر را که شامل مواردی از قبیل رنگ، اندازه، قیمت، شکل و کیفیت جنس اجزایی همچون "رویه، کشو و پایه، چوب، استیل، آهن" و مانند آن است، فهرست کرد. سپس باید بین ویژگی‌ها، اتحاد و قرابت به وجود آورد، نظیر: بررسی ارتباط بین رویه و فضای کشو، پایه و اندازه و ...؛ این کار امید به دست آوردن فکر جدیدی را که در طراحی و ساخت آن مفید باشد، افزایش می‌دهد.

پی نوشت‌ها:

۱. نگاه کنید به: نقادی عقل محض، ایمانوئل کانت، مقدمه ب. ۱۸.

۲. الف) جایگزینی (Substitute ب) ترکیب کردن (Combine ج) وفق دادن (Adapt د) تغییر دادن (Modify ه) بزرگ کردن (Magnify و) کاربردهای دیگر (Put to other use ز) حذف کردن (Eliminate ح) آرایش دوباره (Rearrange

۳. باقری زاده، ص ۲۲

۴. علاقمندان به مطالعه بیشتر در مورد این تکنیک می‌توانند به مقاله روش‌های درست اندیشیدن برای اتخاذ بهترین تصمیمات (مندرج در مجله تدبیر، شماره ۱۵) و یا کتاب شش کلاه تفکر مراجعه نمایند.

۵. مجله تدبیر، نوآور، خلاق، ترجمه فرشته قطبی، شماره ۸۰، بهمن ماه ۱۳۷۶، ص ۹۶

**رسیدن به فضایل و ملکات فاضله، ریاضت‌های علمی و عملی، و جهاد با نفس و خودسازی و تهذیب را می‌طلبد تا در سایه‌سار آن میوه فضایل، با طراوت و شادابی به بار نشینند.**

نفسه قبل تعلیم غیره<sup>(۳)</sup>؛

حضرت علی(ع) فرمودند: کسی که می‌خواهد برای مردم الگو، اسوه و امام باشد، باید قبل از آنکه دیگران را تعلیم دهد و موجبات خودسازی آنها را فراهم آورد، اول از خود شروع نماید و به خودسازی بپردازد.

با عنایت به این موضوع باید در نظر داشت که رسیدن به درجات بالای کمال، با صبر و شکیبایی و تحمل و استقامت و مدارای با مردم بدست می‌آید و رعایت حقوق دیگران امری است مورد تأکید دین اسلام؛ چنانچه روایت پیامبر اکرم(ص) ناظر به آن می‌باشد آنجا که می‌فرماید: به راستی که این دین استوار و پابرجاست؛ با مدارا در آن وارد شوید و بندگان خدا را به زور وادار به عبادت نکنید؛ پس مانند سوار و امانده‌ای خواهید شد که نه راه طی کرده و نه مرکب را سالم نگه داشته است. (۴)

لذا برای رسیدن به هدف متعالی که همه انبیا و اولیا در پی آن بوده‌اند، نقاط آغازینی نیاز است تا با نصب العین قرارداد آن، راه روشن الهی را طی کنیم و در این میان مذاکره کننده که در جای جای مقاله حاضر مورد اشاره مانیز هست با متخلق شدن به آن نقاط آغازین در مسیر حرکت صحیح، صراط مستقیم الهی را دریابد.

نقاط آغازین:

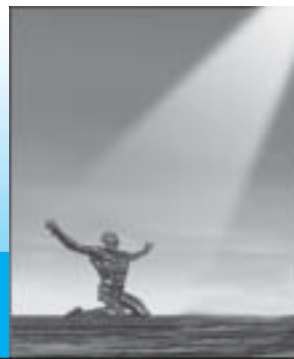
۱. خودشناسی
۲. شناخت هدف
۳. خودآگاهی و احساس مسئولیت
۴. تفکر و تدبیر در هدف
۵. علم به هدف و ابزار و وسایل آن
۶. پرهیز از محرمات و اکتساب فضایل و دوری از رذایل اخلاقی
۷. التزام عملی به احکام (اعم از واجبات و مستحبات)
۸. مشارطه، مراقبه، محاسبه
۹. نیت و اخلاص در عمل
۱۰. نظم و انضباط در کار
۱۱. غنیمت شمردن فرصت‌ها
۱۲. خدمت به بندگان خدا
۱۳. ارتقای سطح آگاهی‌ها
۱۴. زهد و تقوی
۱۵. حسن سلوک و خوش رفتاری با مردم
۱۶. شرح صدر
۱۷. ایمان به هدف برای بالا بردن انگیزه
۱۸. توکل و اعتماد به خداوند و استمداد از ائمه طاهرین(علیهم السلام)

**نکته دوم:**

نکته بعدی که باید به آن اشاره کرد آن است که ایمان به هدف از علم به هدف بسیار بالاتر است. ایمان مقوله‌ای غیر از علم است. علم، محصول تجربه و استدلال و وسیله دریافت و کشف مجهولات است و

# فلز

## فراز



**گفتاری در تبشیر و تنذیر (قسمت اول)**

”فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ“ (۱)

”پس به آن بندگان من که به سخنان گوش فرامی‌دهند و بهترین آنها را پیروی می‌کنند، بشارت بده“

مقدمه:

مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسأله‌ای که آیین مقدس اسلام مورد عنایت قرار داده و در رسیدن به کمالات و فضائل انسانی نقشی بس عظیم دارد، مسأله تزکیه نفس و پرورش روح است که به عنوان امری حیاتی و ضروری مطرح می‌باشد؛ چنانکه مولای متقیان امیر مؤمنان علی(علیه السلام) جان آدمی را به کشتزاری تشبیه می‌کند که اگر آب زلال فضیلت و ادب آن را سیراب نکند، سبزی و شادابی از آن رخت بسته و محصولی نخواهد داد.

همان‌گونه که از این کلمات و سخنان نورانی برمی‌آید، رسیدن به فضایل و ملکات فاضله، ریاضت‌های علمی و عملی، و جهاد با نفس و خودسازی و تهذیب را می‌طلبد تا در سایه‌سار آن میوه فضایل، با طراوت و شادابی به بار نشینند. به دیگر سخن، شناخت فضایل و رذائل، و آگاهی از شخصیت و جایگاه واقعی انسان، سپس مبارزه و مجاهده بانفس اماره و غالب شدن بر آن، امری است که انسان را در وادی دگر سازی نیز موفق می‌دارد؛ به طوری که انسان خودساخته می‌تواند ناصح خوب و آمر و ناهی و مبشر و منذر صالحی برای دیگران قرار گیرد و نصیحت و ارشادات او در دل آنان نافذ گردد و اثر نیکو بر جای گذارد؛ تا هم خود بر زورق امن نشیند و هم جامعه از برکت و جودش مستفیض گردد.

**نکته نخست:**

نکته مهمی که در همین جا باید تذکر داده شود آن است که انسان باید هر کاری را از خود شروع کند؛ پس در تهذیب نفس نیز ابتدا باید از خویش آغاز نماید.

قال علی(علیه السلام): ”کما زاد علم الرجل زادت عنایتة بنفسه و بذل فی ریاضتها و صلاحها جده“ (۲)؛

حضرت فرمود: هر اندازه که علم مرد بیشتر می‌شود باید عنایت و توجهش به نفس خویش زیادت‌تر شود و کوشش و سعیش را در ریاضت نفس و صلاح و سداد آن مبذول دارد.

بنابراین برای شخص مذاکره کننده هم لازم است، ابتدا خود متذکر باشد.

قال علی(علیه السلام): ”من نصب نفسه للناس اماماً فليبدأ بتعليم

**بکشیم دوستی مان در راه خدا و دشمنیمان برای او باشد، خوبی‌ها و خوبان را دوست بداریم و با کژی‌ها و کژمداران، مبارزه کنیم و در راه هموارکردن طریق هدایت برای ناآگاهان تلاش نماییم.**

گاهی مقدمه ایمان یا مکمل ایمان است (۵) اما ایمان نوعی باور و وجدان و خودآگاهی و نوعی احساس تکریم و تقدیس است؛ لذا هر جا ایمانی هست خشوع و خضوع و تکریم و تقدیس نیز وجود دارد که همیشه با آرامش و اطمینان همراه است (۶) بدین جهت مخاطبان قرآن "الذین امنوا" هستند نه "الذین علموا"؛ یعنی آنها که باور دارند نه آنها که می‌دانند (ولی باور ندارند).

با توجه به آنچه گفته شد مذاکره کننده باید علم و ایمان را توأم دارا باشد؛ هم علم به هدف و لوازم و مسئولیت نسبت به همه اطراف و جوانب آن و هم ایمان به هدف. البته ایمانی ارزش دارد که همواره بر پایه تقوی استوار باشد؛ لذا بکشیم دوستی مان در راه خدا و دشمنیمان برای او باشد، خوبی‌ها و خوبان را دوست بداریم و با کژی‌ها و کژمداران، مبارزه کنیم و در راه هموارکردن طریق هدایت برای ناآگاهان تلاش نماییم.

**تذکر:**

در طرح و بررسی موضوعات مختلف در باب مذاکره ارشادی در این نوشتار بیشتر از کلام خداوند تبارک و تعالی و روایات ائمه طاهرین - سلام الله علیهم اجمعین - استفاده می‌شود؛ زیرا بیاناتی بهتر از کلام الهی و اولیای گرامیش که به حقایق عالم اشراف دارند و انسان ناشناخته را بهتر از خودش می‌شناسند و به مسائل درونی و دردها و نهران انسان آگاهی کامل دارند و به زبان فطرت با او سخن می‌گویند، یافت نمی‌شود؛ همچنین سعی می‌گردد تا از نظرات نویسندگان برجسته و آگاه و کتب معتبر استفاده و بیشتر به نکات عملی پرداخته شود تا مقبول افتد.

اللهم انی اعوذ بک من هیجان الحرص و سورة الغضب و غلبة الحسد و ضعف الصبر ...

بارالها پناه می‌برم به تو از هیجان (بروز) حرص، شدت غضب، غلبه حسد، کم صبری، پیروی از هوای نفس و سرپیچی از مقررات حق؛ (بارالها) به تو پناه می‌برم از اینکه در سروری و سرپرستی زیردستان بد رفتار باشیم و شکر مصاحبت دوستان و برگزیدگان خود را بجا نیاوریم یا آنکه ظالمی را در ظلمش یاری کنیم یا استغاثه مظلومی را نشنیده بگیریم و به فریادش نرسیم یا به کاری همت گماریم که حق ما و شایسته ما نباشد، یا در علمی سخن بگوییم بدون آنکه از آن آگاهی داشته باشیم. (۷)

### شناخت انسان

#### انسان از نظر قرآن:

از دیدگاه قرآن، انسان مورد مدح و ذم قرار گرفته است. عالی‌ترین مدح‌ها و بالاترین مذمت‌های قرآن، درباره انسان است. گاه او را از آسمان و فرشتگان برتر دانسته می‌فرماید: "و لقد کرمنا بنی آدم ... و از منظری دیگر وی را از چهارپایان پست تر شمرده می‌فرماید: "اولئک کالانعام بل هم اضل ...". بنابراین انسان به عنوان موجودی معرفی شده که توانایی مستخر نمودن جهان را دارد و می‌تواند فرشتگان را به خدمت خویش بگمارد و هم می‌تواند به "اسفل السافلین" سقوط کند.

### خصوصیات انسان

از آنجا که نوشته حاضر در مورد جوانب مختلف یک مذاکره ارشادی است، در نخستین مرحله از شناخت انسان به عنوان یک مذاکره شونده، ضروری است اشاره‌ای به برخی از خصوصیات انسان داشته باشیم تا مذاکره کننده با در نظر گرفتن این ویژگی‌ها مذاکره خویش را انجام دهد.

۱. انسان خلیفه خدا در زمین:

اوست که شما انسان‌ها را [به عنوان] جانشینان خود در زمین قرار داده تا شما را - در قبال سرمایه‌هایی که داده است - در معرض آزمایش قرار دهد. (سوره بقره/۳۰ و سوره انعام/۱۶۵)

۲. ظرفیت علمی انسان، از بزرگ‌ترین ظرفیت‌هایی است که ممکن است یک مخلوق داشته باشد.

تمام آن اسامی را به آدم آموخت و او را بر همه حقایق آشنا ساخت. (سوره بقره/۳۷ تا ۳۳)

۳. انسان فطرتی خدا آشنا دارد، به خدای خویش در عمق وجدانش آگاهی دارد. (سوره اعراف/۱۷۲ و سوره روم/۴۲)

۴. در سرشت انسان علاوه بر عناصر مادی که در جماد و گیاه و حیوان وجود دارد، عنصری ملکوتی و الهی نیز به طور مختص وجود دارد؛ انسان ترکیبی است از طبیعت و ماورای طبیعت، ماده و معنی، جسم و جان.

آفرینش انسان را از گل آغاز کرد ... آنگاه او را بیاراست و از روح خویش در او دمید. (سوره الم سجده/۷)

۵. آفرینش انسان حساب شده است و تصادفی نیست. انسان موجودی انتخاب شده و برگزیده است.

خداوند آدم را برگزید و توبه‌اش را پذیرفت و او را هدایت کرد. (سوره طه/۱۲۷)

۶. انسان شخصیتی مستقل و آزاد دارد، امانت‌دار خداست، رسالت و مسئولیت دارد و می‌تواند با انتخاب خود یکی از دوره سعادت و شقاوت را اختیار کند. (سوره احزاب/۷۲)

۷. او از یک کرامت ذاتی و شرافت ذاتی برخوردار است، خدا او را از بسیاری مخلوقاتش برتری داده است.

همانا ما بنی آدم را کرامت بخشیدیم و آنان را بر صحرا و دریا (خشک و تر) مسلط کردیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری دادیم. (سوره اسراء/۷)

۸. او به حکم الهی فطرت از وجدانی اخلاقی برخوردار است و زشت و زیبا را درک می‌کند. (سوره الشمس/۷ و ۹)

۹. جز به یاد خدا با چیزی دیگر آرام نمی‌گیرد، خواست‌های او بی‌نهایت است، به هر چه برسد دلزده و سیر می‌شود مگر ذات اقدس الهی که بی‌حد و نهایت است و انسان تمایل به پیوند با آن ذات را در عمق

جان و فطرتش دارد. (سوره رعد/۲۸ و سوره انشقاق/۶)

تهیه و تنظیم:

زهره السادات لوح موسوی

پی نوشت ها:

(۱) قرآن کریم، سوره زمر، آیه ۱۷ و ۱۸

(۲) غرر الحکم و درر الکلم

(۳) نهج البلاغه، حکمت ۷۳

(۴) اصول کافی، جلد ۲ ص ۸۶ - بحار الانوار، جلد ۶۸، ص ۲۰۹

(۵) در همین رابطه آیه ۱۱ سوره مجادله می‌باشد.

(۶) در همین رابطه آیه ۲۸ سوره رعد می‌باشد.

(۷) صحیفه سجاده، دعای هشتم

تخریب و نابودی جنگل‌ها، مراتع و محیط زیست طبیعی، شیوع انواع بیماری‌های لاعلاج جدید چون ایدز، سرطان‌های مهلک، بیماری‌های قلبی، عصبی و روانی. (۲)

منتقدان مدرنیته که اکثر آنان، گرایش پست مدرنیستی دارند معتقدند که در عصر مدرن به تدریج ارزش‌های قرن هجدهم و عصر روشنگری از هم پراکنده گشته و روبه‌زوال و نابودی گزارده‌اند. یکی از مهم‌ترین ارزش‌های این عصر، علاوه بر عقلانیت، فکر پیشرفت و ترقی بود. در قرن هجدهم، متفکران و فلاسفه با خوش بینی بسیار، بر این باور بودند که به مدد ارزش‌های جهان شمول علم، عقل و منطق می‌تواند از قید و بند اوهام و خرافات و اساطیر و آرا و عقایدی که بشریت را از پیشرفت و ترقی باز می‌دارد، رهایی یابد؛ اما این واقع نشد و امور به سوی پراکنده شدن از یکدیگر پیش رفت. منتقدان می‌گویند که اساساً علم، عقل و پیشرفت، چه حاصل یا دستاوردی برای بشریت جز نابودی، رنج، استثمار بیشتر، الیناسیون، نوستالژی، اندوه، کشتار همگانی، کابوس‌های کافکایی، اردوگاه‌های مرگ، جوخه‌های مرگ، آشویتس‌ها و جز جنگ جهانی اول و دوم، فجایع عظیم و دهشتناک هیروشیما و ناکازاکی، فجایع زیست محیطی، فجایع و جنایات جنگ ویتنام، الجزایر، کشتار سیاهان در آفریقا و بالاخره انواع نظام‌های توتالیت‌ر در بر داشته است. باربارا آدم نیز همین امور را برمی‌شمارد. زیگموند باومن در "مدرنیته و کشتار همگانی" مسأله کشتار جمعی را از مهیب‌ترین وجوه مدرنیته می‌شمارد. (۳) همو در نشانه‌هایی از پسامدرنیته (۱۹۹۲) می‌نویسد فقط کمونیسم نیست که رفته است، بلکه با کمونیسم، رؤیای جهان تحت کنترل عقلانی انسان نیز رفته است. (۴) آدورنو عقیده داشت که بعد از کشتارهای عظیم همگانی و فجایع مصیبت‌بار، دیگر نمی‌توان به طور جدی به ایده پیشرفت باور داشت. والتر بنیامین نیز با توجه به چنین پیامدهایی، مدرنیته را فاجعه‌ای بی‌پایان می‌داند. جیمسون، مضامین بزرگ مدرنیستی را چنین برمی‌شمارد: الیناسیون، بی‌ریشگی، فقدان هویت، تنهایی و انشقاق اجتماعی. بنابه نظر او، شهرنشینان و ساکنان جوامع شهری پیشرفته صنعتی، انسان‌هایی از خود بیگانه، دچار توهمات و حالات هذیانی، در خواب و خیال و شرایطی کسل‌کننده هستند. لورنز و سیمپسون، به تعریض و چالش علیه نیهیلیسم اجتماعی-فلسفی جدید و نقد و بررسی پیوندهای موجود میان محسوسیت‌های پست مدرن و نگرش بیش از حد تکنولوژیک آن به جهان می‌پردازند. (۵)

مدرنیسم با معضلات دیگری نیز دست به گریبان بوده است؛ از جمله: معضلات هنری، پیچیدگی و غیر قابل فهم بودن هنر و ادبیات مدرن، سبب ظهور مدرنیسم عالی شد.

یکی از انتقادات به فرهنگ و هنر مدرن، این بود که فرهنگ در آن به دو بخش عالی و پست تقسیم شده بود و در این میان، جایی برای طبقات متوسط در نظر گرفته نشده بود؛ زیرا طبقات متوسط نمی‌توانستند آن را درک کنند. از سوی دیگر سبب ظهور نوعی طبقه روحانیون (متشکل از محققان و پژوهشگران و منتقدان) گردید که



## واژه نامه

### مدرنیته و پست مدرنیته

اشاره

در دو قسمت پیشین این نوشتار به فروشکافی اصطلاح مدرنیته پرداختیم و اینک در قسمت سوم نقد مدرنیته را پیش روی داریم و پس از آن (در شماره آینده) قدری در باب پست مدرنیته و نقد آن به بحث می‌پردازیم.

البته غالباً پست مدرنیته را نقد مدرنیته می‌دانند و مفسران آن را نقادان این می‌پندارند. اما لزوماً این دو با هم نسبت تساوی ندارند. در این قسمت و در نقد مدرنیته تلاش بر نقادی به زبان متفکران غرب است و نقد مدرنیته از دیدگاه اسلام مجال دیگری می‌طلبد.

### نقد نظری

مارکس، نیچه و فروید، بنیان‌گذاران نقد مدرنیته اند و فصل مشترک آنها در این است که در حرکت انسان، برای انگیزه‌ها (به ترتیب ثروت، قدرت و شهوت) نسبت به عقل اهمیت بیشتری قائلند، و از همین جا با مدرنیته که عقلانیت از ارکان مهم آن است رودررو می‌شوند؛ خصوصاً با روایت متأخر آن که ابزارگرایی و عام‌گرایی و حتی نوعی سرکوبگری انتخاب و کنش، از اوصاف آن دانسته شده است. (۱)

بسیاری از حملات و انتقاداتی که علیه مدرنیته و مدرنیسم صورت گرفته است، ناظر به وجه خود ویران‌سازی آن است. نظریه پردازان انتقادی برآنند که مدرنیته و مدرنیسم، عوارض و تبعات مخرب و ویرانگری به بار آورده‌اند که قبل از همه، گریبان خود مدرنیته و مدرنیسم را گرفته است؛ عارضه‌هایی چون ماشینیسم، الیناسیون، کشتار جمعی، نسل‌کشی‌های نژادپرستانه متعدد، انبارهای عظیم تسلیحات هسته‌ای، انواع بمب‌های اتمی، شیمیایی و میکروبی، بی‌هویتی و سرگشتگی انسان‌ها و عوارضی چون رشد بی‌سابقه و غیر قابل مهار صنعت و تکنولوژی، نابودی لایه ازن،

وظیفه اصلی خود را شرح و تبیین رمز و رازها و اسرار مدرنیسم می دانستند.

تزلزل و بی ثباتی زندگی مدرن و تأثیرات پیچیده صورتبندی های روانی نظیر توهمات، جنون، خودشیفتگی، تخیل، حسادت، غبطه، رشک، نفی و انکار که ناشی از سیطره مکانیسم های تکنولوژی، صنعت و ماشینیسم بود، از جمله پدیده هایی است که به زعم نویسندگان کتاب "تأملاتی در یک قرن مدرنیته انگلیسی" (به جمع آوری میکانوا و آلن اُشی ۱۹۹۵) از ویژگی های بارز مدرنیته انگلیسی به شمار می رود.

اگنس هلر در کتابی تحت عنوان "آیا مدرنیته می تواند دوام آورد؟" می پرسد: آیا نهادهای سیاسی، اقتصادی و اخلاقی مستقر در غرب، قادر به رویارویی با چالش های مطرح شده در پایان قرن بیستم هستند؟ آیا ساختارهای زندگی مدرن در حال از میان بردن عناصر معتبر هستی وجود هستند؟ آیا مقوله ای به نام "پایان فرد انسانی"، واقعیت دارد؟ مارکی دوساد، انحرافات ناشی از آزادی جنسی را عیان ساخته و به این ترتیب، تصویر تیره ای از آزادی انسان ترسیم می کند.

به اعتقاد رامی گولان، جریانات ارتجاعی نظیر ضدیت با شهرنشینی، بازگشت به خاک، منطقه گرایی، کورپوراتیسم و تردید درباره تکنولوژی جدید، در حال حاضر با توجه به رشد و گسترش فزاینده مخالفت با صورتبندی مدرنیته و انتقاد بی امان علیه دستاوردهای مدرنیسم، به ویژه از سوی جریانات پست مدرنیست به صورت موضوعات محوری در گفتمان فرهنگی و تاریخی هنر درآمده اند.

پیترا واکر، یکی از مهم ترین دستاوردهای مدرنیته را از نظر جامعه شناسی پدیده پارادوکسی (تعارض نما) آزادی و انضباط می داند. آزادی در صورتبندی مدرنیته، مهم ترین دستاورد بشری است، لیکن یکی از پایه ها و ارکان اصلی جوامع سرمایه داری پیشرفته صنعتی متأخر، ضرورت وجود انضباط و نظم آهنین و فراگیر است، زیرا پیشرفت هر چه سریع تر و بیشتر، در گرو نظم و انضباط قرار دارد و این امر خود فی نفسه با مفهوم آزادی از بسیاری جهات مغایرت دارد. (۶)

از نقدهای دیگر بر مدرنیته می توان از "انگاره مصرف فاحش" تورشتاین و بلن و نقدهای تورشتاین و بلن و هنری آدامز بر "فرهنگ ماشین" نام برد.

آلن تورن، سه مرحله بحران برای مدرنیته تشخیص می دهد:  
۱. بی رمقی جنبش اولیه رهایی بخشی: این جنبش، آنهایی را که دیرگاهی زندانی رخوت بوده اند، به سمت خود می کشد؛ اما هنگامی که آهنگ توالی می گیرد و فقط به دنبال شتاب خود است، خستگی و سرگیجه می آورد. (۷)

۲. تهی از معنا شدن یک فرهنگ که خود را در میان فنون و عمل ابزاری گرفتار می دیده است. کسوف عقل عینی و ظهور عقل ابزاری، هیچکس را به اندازه هور کهایمر غمگین نکرده است. این کسوف از

خلال بحران های یک جامعه بورژوازی سردرگم جز به وحشی گری نازیسم راه نمی برد.

۳. از میان رفتن مبانی فوق اجتماعی اخلاق، باعث پیروزی اخلاق اجتماعی منفعت گرایی و کارکردگرایی شد. بر این مبنا، "خوب" آن است که برای جامعه، مفید باشد. آیا این جامعه ای که هر کس باید در خدمت آن باشد، همان اراده عامی است که روسوا از آن سخن می گوید و حکومت هم باید پیرو آن باشد؟ چگونه می توان به این نکته التفات نکرد که کل، چیزی بیش از اجزاست، به طوری که کل می کوشد اجزایش را زیر نفوذ خود در آورد؟ چگونه ممکن است این حقیقت را ندید که جامعه و در اولین مرحله، دولت، منطق پرداخته یک ذهن را به حیات جمعی که رشته ای از روابط اجتماعی و در نتیجه، محل کثرت گرایی است به زور اعمال می کند؟ چه کسی، دیگر به وحدت منافع دولت و افراد و به وحدت هویت انسان و شهروند باور دارد؟ مدرنیته در پوستین یک ابزار کنترل، همانندسازی و سرکوب فرورفته است. او می پرسد: آیا ما در دنیای فنون تولید و بیش از پیش در دنیای ارتباطات به سر نمی بریم که ما را از خودمان جدا می کند و در سرگرمی و لهو و لعب به بند می کشد؟

ادموند هوسرل، بن بست فرهنگ و اندیشه روزگار را در خرد حسابگر و منطق کمی مدرنیته می یافت. (۸)

مارتین هایدگر، تمام نقد مدرنیته را در بنیاد متافیزیکی فراموشی هستی می شمرد. او می گفت: خرد مدرن سرسخت ترین دشمن اندیشیدن است؛ زیرا راه را می گشاید تا فراموشی اندیشیدن به هستی توجیه و حتی ضرورت تفکر، انکار شود. این خرد با تکیه بر دستاوردهای تکنولوژی و تسهیل زندگی هر روزه که هدف مدرنیته است، وانمود می کند که سخن گفتن از هستی، عملی نابخردانه است. (۹)

پی نوشت ها:

- ۱) نقد مدرنیته، مقدمه مردیها، ص. ۹
- ۲) صورتبندی مدرنیته و پست مدرنیته، نوذری، ص. ۱۲۹
- ۳) همان، صص. ۱۳۱-۱۳۲ و ۱۵۰
- ۴) مستروویچ، آخرین مدرنیست، در کتاب ماه علوم اجتماعی، ش ۴۸-۴۷، ص ۷۱
- ۵) همان، صص. ۱۴۹ و ۱۸۹ و ۱۹۰ و ۲۶۷
- ۶) همان، صص. ۱۳۱ و ۱۳۶ و ۱۳۸ و ۱۴۱ و ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۶۶
- ۷) نقد مدرنیته، ص. ۱۶۱
- ۸) همان، صص. ۱۶۱-۱۶۴ و ۱۶۵ و ۲۳۷ و ۲۵۰
- ۹) معمای مدرنیته، ص. ۲۳۷



## صدای خودت

اشیاء را وجودت پر کرده است. ساده تر بگویم، می بینی که علی نما شده‌ای.

همه ملاً اعلی و همه خوبان خدا عاشق نمازند. وقتی یک جوان در خلوت به نماز می ایستد همه آنها به او توجه می کنند.

نماز که می خوانی، خوب به صدای خودت گوش بده و دقت کن، کم کم می بینی که تونستی که عبارات نماز را می خوانی و یک نفس لطیف همراه نفس تو است و یک موجود شریف و مظلوم است که در درون تو دارد نماز را می خواند. (۱)

## تصمیم گیری

درست الان. در همین دقیقه. در زندگی شما مشکلی پیش می آید و بر سر دو راهی قرار می گیرید. یکی از این راه ها به رشد و ترقی، و دیگری به یک زندگی یکنواخت و راکد منتهی می شود. شما باید در ابتدا در مورد یکی از راه ها تصمیم گیری کنید، تصمیمی که نتیجه حیاتی آن آینده شما را می سازد، تصمیمی که فقط و فقط خود شما می توانید بگیرید. مواردی که باید درباره آن تصمیم بگیرید این دو مسأله است:

آیا مشتاقانه به موفقیت و شادکامی علاقه دارید؟

آیا راضی هستید در جهت رسیدن به هدف هایتان، به اندازه کافی تلاش نمایید؟

اگر جواب شما به هر کدام از موارد بالا منفی است، خودتان را برای یک زندگی یکنواخت و در حد متوسط یا در حد شکست آماده کنید. اما اگر جواب شما به دو پرسش یاد شده مثبت باشد، برای درس آموزی از موفقیت دیگران آماده شوید و بدانید که شانس زیادی برای رسیدن به خواسته هایتان دارید. اگر فوراً و یقیناً به موارد بالا جواب مثبت دادید، به خودتان تبریک بگویید؛ چون نخستین و مهم ترین گام را در راه رسیدن به هدف خود برداشته اید.

گام دوم برای رسیدن به موفقیت این است که تصمیم بگیرید برای رسیدن به مراتب بالای موفقیت با عزمی راسخ و پشتکاری زیاد فعالیت کنید تا در این میدان پیروز شوید. با اتخاذ این تصمیم، می توانید در راه ترقی و موفقیت قدم بگذارید. نخستین درس این است: "توانایی در تصمیم گیری، مهم ترین عامل برای رسیدن به

سخنان میرزا محمد اسماعیل دولابی  
پیرامون وضو و نماز:

وضویی بگیریم که همیشه در وضو باشیم و نمازی بخوانیم که انگار همیشه در نماز هستیم. خوشا آنان که دائم در نمازند.

"الذین هم علی صلاتهم دأثمون"  
اگر بخوایم در نماز خیالات نداشته باشیم و [نمازمان] مقبول باشد، باید در وضو گرفتن دقت کنیم.

وضو نور است و وضو روی وضو نور علی نور. زکات و خمس هم وضوی مال است که آن را پاک می کند. زکات بدن هم روزه است. تمامی صفات رذیله را می توان با وضو شست و پاک کرد.

توجه به نماز، نماز است. اگر حضور قلب داری، در نمازی و الا دل هر کجاست همان جایی.

نماز را آرام و با تأنی بخوان، شاید یادت بیاید که داری با خدا صحبت می کنی و خدا دارد با تو صحبت می کند. در نماز خودت باش و نگذار حواست جایی دیگر برود. اصلاً دقت کن و ببین کیست که دارد نماز می خواند.

سجده از آثار جمال خدا و رکوع از آثار جلال خداست. وقتی جلال خدا آشکار شود، فرد به رکوع می رود و هنگامی که جمال خدا ظاهر شود، فرد به سجده می افتد.

بعد از نمازها با خدا صحبت کن، بگو خدایا تو غنی هستی و من فقیر، تو عزیز هستی و من ذلیل، تو مالک هستی و من مملوک و ... با خدا که [خوب] صحبت کنی، نطقت باز می شود و با خلق هم خوب صحبت خواهی کرد.

چه موسیقی از آهنگ اذکار و الفاظ نماز بهتر، و چه رقصی از حرکات نماز زیباتر.

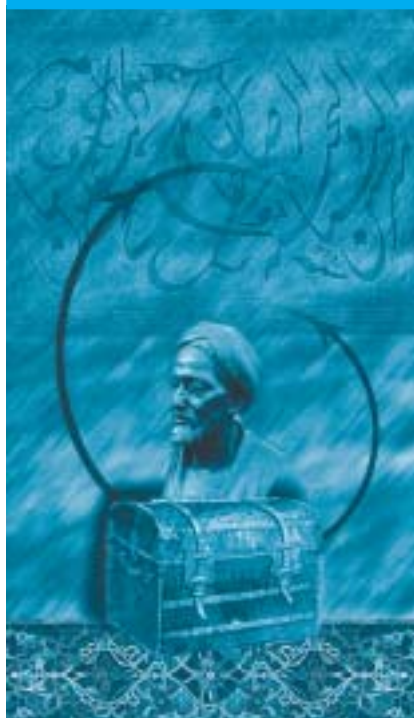
در نماز گمشده ها پیدا می شود. باید سعی کرد گمشده اصلی را در نماز پیدا کرد.

خوشا به حال آنان که در فروع دین اصول دین را ببینند. در نمازشان علی(ع) را ببینند.

در اول نماز که قامت می بندی و می گویی "الله اکبر"، اگر چشمت باز باشد و بتوانی حقیقت خود را ببینی، خواهی دید که قامت قیامت است.

سرت در قائمهی عرش و انگشت های پایت در طبقه هفتم زمین است. خود را می بینی [آنگونه] که: "ملاّت أركان کلّ شیء"؛ ارکان همه

## گوناگون



## گوشه چشمت

ای یوسف زهراسفرت کی به سرآید؟  
از پیک صبا کی شنوم آمدنت را؟  
ای حجت حق از که سراغ تو بگیرم؟  
برگوش دل ای اختر تابان ولایت!  
ای پرده نشین نبوی کی ز در آیی؟  
تا کی رُخ زیبای تو در پرده نهان است؟  
باز آ دگر ای یوسف گم گشته زهرا  
از جور طواغیت زمان پُر شده عالم  
ظلمتکده بستان شود آنگه که بیایی  
با جلوه رخسار تو ای مهدی زهرا  
این حاجت ما گر به اجابت برسانی  
آخر چه شود تا به شب تار دل ما؟  
ای یار سفر کرده دگر تاب ندارم  
بی تابم و از سوز غم هجر تو گریان  
بیماری دل را تو شفا هستی و دارو  
بر چشم گنهار، جمال تو حرام است  
از طعنه اغیار تو خون شد دل یاران  
عُشاق تو هر جمعه، دل و دیده به راهند  
عمرم به سرآمد به گناه و غفلت

کی چهره ماهت ز پس پرده درآید؟  
کی بانک اناالمهدیت از کعبه برآید؟  
کی قاصد و پیک تو از این رهگذر آید؟  
کی از دلب لعل تو دُر و گهر آید؟  
تاباد صبا از تو به ما خوش خبر آید؟  
کی شهید ظهور تو به کام بشر آید؟  
خورشید رُخت کی زافق جلوه گر آید؟  
بادست تو کی نخل عدالت ثمر آید؟  
چون تیغ تو بر گردن هر فتنه گر آید؟  
آیا شود اندر شب تارم قمر آید؟  
خاک قدمت سرمه بر این چشم تر آید؟  
از کوی تو آهنگ نسیم سحر آید؟  
هر دم ز فراق تو به جانم شرر آید  
دل بسته بر اینم که ز کویت خبر آید  
یک لحظه جمال تو اگر در نظر آید  
اما نظر لطف تو بخشنده تر آید  
از چشمه دل، آتش و خون جگر آید  
تا کی شب تار غمشان را سحر آید؟  
با گوشه چشمت غم عالم به سرآید. (۴)

## تدبیر

می گویند مدیریت یا قدرت می خواهد یا تدبیر  
در واقع مدیریت هم قدرت می خواهد و هم تدبیر اما مدیر با تدبیر کمتر از  
قدرت استفاده می کند.  
بجای آنکه به زور بخش های مختلف و کارکنان را به کار وادارد، با ایجاد  
علاقه، رقابت و انگیزه اینکار را می کند.  
به جای آنکه خطا کاران را تنبیه کند، زمینه ایجاد خطا را از بین می برد.  
به جای آنکه در تمام امور و تصمیمات دخالت کرده و پیگیری نماید، سیستمی  
صحیح برای آن طراحی می کند.  
اما مدیری که تدبیر کافی و توان لازم برای ایجاد رقابت، علاقه، انگیزه، زمینه  
سازی، طراحی سیستم و غیره را ندارد ناچار است با زور و فشار و کنترل های  
مستقیم و پیگیریهای دائم سازمان را در راستای اهداف نگه دارد. (۵)

پی نوشت ها:

(۱) ماهنامه اذان، شماره ۷۱

(۲) روزنامه همشهری، دوم آبان ۷۹

(۳) مجله فکر، شماره ۳۱

(۴) سروده محمدحسن زیبایی

(۵) مجله بهره وری، شماره ۲۹

یک زندگی شاد و موفق است"

تصمیم گیری به معنای توانایی فکری و شخصیتی است و خود را  
به صورت توانایی در عملکرد قطعی نشان می دهد.

تصمیم گیری یعنی یک عادت سریع و قطعی که وقتی شرایط لازم  
وجود داشته باشد، فکر شما آن را می سازد. همچنین به عنوان یک  
توانایی شخصیتی است که باعث جلب احترام از جانب دیگران  
می شود.

مخالف کلمه تصمیم، شک و تردید است. وجود تردید در ذهن  
موجب نگرانی، عصبانیت و کسالت شده و باعث می شود که شخص  
دست به انجام کاری نرزد یا کندتر و محتاط تر اقدام کند.

تصمیم گیری اولین گام پیش از اقدام به هر عمل و موجب ایجاد  
انگیزه برای هر حرکتی است و باعث پیشرفت و موفقیت می شود. اگر  
قبل از تصمیم گیری اقدام به عملی شود، ممکن است هیچ نتیجه ای از  
آن حاصل نگردد. مراحل انجام یک عمل مثل زنجیره اتم ها به هم  
وابسته است. هر قدمی، آغازی برای قدم دیگر است که در نهایت به  
نتیجه می رسد. بدون اولین قدم یعنی تصمیم گیری، هیچ نتیجه ای به  
دست نمی آید. (۲)

## آموزش زبان فارسی

یک روز یک افسر عراقی به آسایشگاه ما آمد و در حالی که به سر  
و وضع بچه ها نگاه می کرد، به فارسی گفت: "چرا گاو تان را کوتاه  
نکرده اید؟!" همگی از این حرف خنده مان گرفت. افسر که متوجه  
حالت ما شده بود، تعجب کرد و در حالی که با تهدید به موی سر خود  
اشاره می کرد، دوباره تکرار کرد: "چرا گاو تان را کوتاه نکرده اید؟"  
بچه ها دوباره خندیدند. افسر عراقی با عصبانیت پرسید:

چرا می خندید؟

از صحبت شما.

مگر صحبت من چه عیبی دارد؟

آخر شما به "مو" می گوید گاو!

افسر اشاره به موی سر کرد و گفت:

یعنی شما به این نمی گوید گاو؟

نخیر، این مو است.

سپس به سبیل خود اشاره کرد و گفت:

این هم جارو نیست؟

بچه ها دوباره خندیدند.

نخیر این سبیل است.

افسر عراقی که خیلی تعجب کرده بود با اشاره به پیراهن پرسید:

یعنی این هم پالان نیست؟

این بار خنده بچه ها شدیدتر شد.

نه، این هم لباس است.

افسر که از حرف های خود خجل شده بود به نگهبان ها دستور داد

تا علی را بیاورند. علی، اسیری بود که در اردوگاه فارسی تدریس می کرد  
و ما تازه متوجه شدیم که جریان از چه قرار است. چند دقیقه بعد، علی  
را آوردند و در مقابل چشم همه، او را با کابل فلک کردند، به طوری که  
تا مدت ها قادر به راه رفتن نبود. (۳)



بہ فرس کی ارمی کرد شہر  
کاتم ابن ملجم اعلیٰ گفت



## الذی جعلته للمسلمین عیداً

عید است و دلم ، خانه ویرانه بیا

این خانه تکاندیم ز بیگانه بیا

یک ماه تمام میهمانت بودیم

یکروز به مهمانی این خانه بیا

خدایا تو اهل کبریا و بزرگی و اهل جود و جبروت و اهل بخشش و رحمت و اهل پرهیزگاری و آمرزش هستی. از تومی خواهم به حق این روز که آن را برای مسلمانان عید قرار دادی و برای محمد (ص) ذخیره و مایه شرافت و کرامت و فزونی، ساختی که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و مرا داخل کنی در هر خیری که محمد و آل محمد را در آن داخل گردانیدی و خارج کنی از هر بدی که محمد و آل محمد را از آن خارج گردانیدی و درود تو بر او و خاندانش باد .

خدایا من از تو می خواهم بهترین آنچه را که بندگان شایسته تو از تو درخواست می کنند و پناه می برم به تو از آنچه که بندگان برگزیده ات از آن پناه می جویند.